

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران
یکشنبه ۱۰ فروردین ماه ۵۹ شماره ۴۶ تکشماره ۱۰ ریال

مذاکرات ایران و شوروی

مردم جمع
کیست؟
روحانیت
استقلال طلب یا
سازشکاران با
غرب و شرق؟
در صفحه ۵

انتخابات: انتظارات مردم و عملکرد آقایان بورژوازی

مرحله اول انتخابات مجلس شورا یا بیان یافت و فرمتی است برای توده های مردم زحمتکش ما که بنشینند و نگاه به این تجربه بیا نندازند.

مردم ما از انتخابات چه میخواهند؟ آنها انتخاباتی سالم برای مجلسی مردمی و مستقل، مجلسی در خدمت انقلاب میخواهند و میخواهند مجلسی که چون سنگری از انقلاب و نهادهای از جمهوری اسلامی، از استقلال میهن در برابر قدرت دفاع کند، آزادی را برای خلق تامین و حفاظت نماید، ضد انقلاب را سرکوب کند و بالآخره برای رفاه خلق بویژه زحمتکشان بکوشد.

با توجه به شرایط پیروزی انقلاب و وضع کنونی، نیروهای سیاسی متعلق به بورژوازی ملی بیش از همه برای توده های مردم شناخته شده بوده و نیروهای غالب و حاکم بر صحنه سیاسی کشور اند. مردم به آنها اعتماد کردند و آنها هم مسئولیت برگزاری بقیه در صفحه ۲

تنها راه حل، پایان دادن به تجاوز شوروی است

تا دیروز ادعا میکرد دخالتش در افغانستان مسئله ای صرفاً داخلی بوده و نخواستند مورد بحث با کشور ثالثی قرار گیرد، بی شک از مشکلات روز افزون روسیه اشغالگر در سرکوب مقاومت مردم افغانستان خبر میدهد.

ولی در عین حال روسیه از "مذاکره سیاسی" پیرامون

بر اساس گزارش خبرگزاری پارس، میان وزارت امور خارجه ایران و سفیر روسیه مذاکراتی پیرامون مسئله افغانستان جریان داشته و توافقاتی برای ادامه این مذاکرات نیز صورت گرفته است. اینکه دولت روسیه با ایران بر سر مسئله افغانستان به مذاکره می نشیند در حالیکه

مسئله افغانستان هدفهای جنایتکارانه ای را نیز دنبال میکند.

یکی از مهمترین این هدفها، شکل قانونی و رسمی دادن به رژیم پوچالی ببرک کارمل و معرفی آن به مثابه بقیه در صفحه ۶

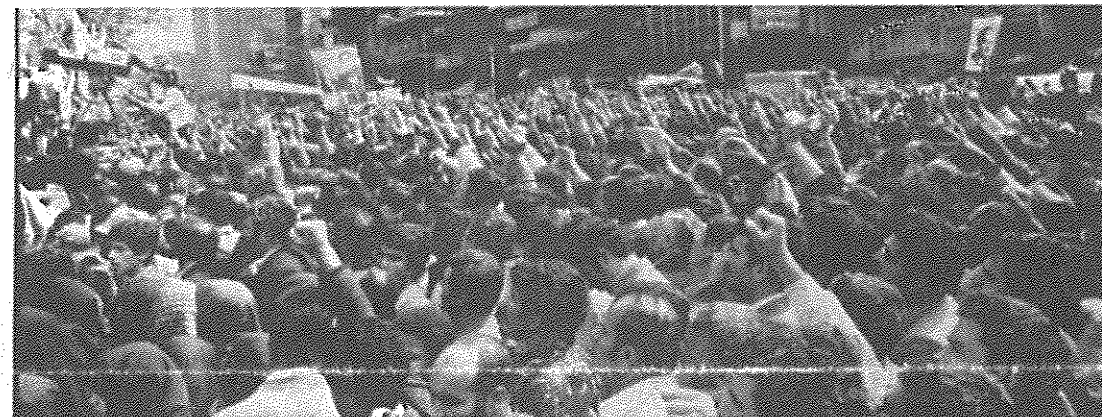
اعلامیه حزب رنجبران ایران درباره روز جمهوری اسلامی ایران

دوازدهم فروردین ۱۳۵۹ سالگرد استقرار جمهوری اسلامی ایران است. در این روز تاریخی مردم قهرمان ایران با رای قاطع خود، یکصدا به سلطه ننگین رژیم وابسته و استبدادی شاهنشاهی، پایان دادند و آن را برای همیشه زیاله دان تاریخ انداختند.

طی یکسال اخیر علیرغم رهنمودهای مکرر امام خمینی در مورد حفظ "وحدت کلمه" و مبارزه به خاطر تحکیم استقلال کشور و رد هرگونه وابستگی به دو ابر قدرت آمریکا و روسیه، مبارزه ی شدید در زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تدوین قانون اساسی، انتخابات مجلس شورای ملی و نهایتاً ایجاد دولت جمهوری اسلامی ایران ادامه داشته است. احزاب، سازمان ها و عناصر وابسته به امپریالیستهای شرق و غرب انحصار طلبان، سرخستان ضد کمونیست و چپ نماها به ایجاد هرج و مرج و تفرقه دامن زده و در استقرار نظم انقلابی اختلال کرده اند.

بقیه در صفحه ۲

خشم بحق مردم علیه شاه مخلوع



بورژوازی، دشمن نظم انقلابی

عناصری بشدت قدرت مدار، از زمان شاه سابق مانده اند و اکنون عملاً "قدم" شروع به اعتصاب و کارشکنی کرده اند...

اینطور نیست که دستگاه اداری - نظامی نخواهد که کار کند، بلکه نمی تواند با وضع فعلی کار کند. یعنی این دستگاه برای سالیان بسیار زیاد خود کرده بود تمام توان در اختیار او باشد و بیرون از خودش، هیچکس به میزبانی شمرده نشود (صد مقاله ص ۳۱۸) از آن زمان تا بحال نه تنها در

این روزها آقای رئیس جمهور بنی صدر تاکید روی برقراری نظم در جامعه می گذارد و اهمیت اجرای قانون را برجسته مینماید... حزب ما از همان فردای انقلاب یاد آور شد که هدف مرکزی دولت انقلابی باید ایجاد نظم انقلابی و نوسازی اقتصاد باشد. متأسفانه یکسال مبارزه وسیع توده ها به درستی رهبری نشد، ابرقدرتها و عوامل آنها در امور انقلاب اختلال کردند و مسئولین انقلاب نتوانستند از حرکت های انحرافی و سرگردمیبای

متحداً المییک مسکورا تحریم کنیم!

هم میهنان: سوسیال - امپریالیستهای روسیه که افغانستان عزیز را با شغال ارتشهای خود در آورده و صدها هزار نفر را زیر باران و خواران مبارز افغانستانی را بخاک و خون کشیده اند، در صدد تداوم بازیهای ورزشی المییک را که یکی از مظاهر دوستی و برادری ملت های جهان است به وسیله تبلیغاتی برای انحراف افکار عمومی جهان و زمین ساز برای ادامه جنایات خود و نابودی خلق های قهرمان افغانستان تبدیل سازند.

حقیقت آنست که المییک مسکور وسیله ایست در دست قداره بندان کرملین برای پوشاندن چهره کریه تجا و زگروچنا پیتکا رخود. مبارزین انقلابی افغانستان و همه ستم دیدگان جهان منتظرند تا ببینند چه کسانی دستان خونین بر زلف ما را می فشارند و بجای کمک به رها نشی خلق های مبارز افغانستان در خیمه شب بازی سوسیال امپریالیستها سرگت می کنند. آیا براستی ملت ایران

از حرکت‌های اسراری و سرزمینهای روزمره جلوگیری و در خط مستقیم بر قراری نظم انقلابی و بنسازای اقتصاد جامعه گام‌های اساسی بردارند.

بنظر میرسد آقای بنی صدر در سه‌ماه‌های لازم را از این یکساله‌گرفته و تأکید را روی برقراری نظم و ساختمان اقتصادی می‌گذارد اما باید در این آغاز به آقای بنی صدر هشدار دهیم که او هم به اشتباه مهندس بازرگان دچار نگردد و نظم را در حاکمیت بوروکراسی برجان و مال و افکار مردم نبیند.

بنی صدر در مردادماه گذشته هنگامیکه در سخنرانی خود مشکلات انقلاب را برپای شمرد در باره بوروکراسی چنین گفت:

"مسأله‌ی اساسی اینست که یک دستگاه اداری و یک دستگاه نظامی با

دستگاه اداری - نظامی ما تغییر صورت نگرفته است بلکه با توسعه نهادهای باصطلاح اسلامی جدید - مانند بنیاد مستضعفین و مسکن و غیره و همچنین ملی کردن بخش عظیمی از وسایل تولید و توزیع بر این بوروکراسی قدرت مدار نیرو و قدرت بازم بیشتر افزوده‌اند.

حال این سوال مطرح میگردد که نظم و قانونیت انقلابی را کی میخواهد بوجود آورد؟ و چگونه؟ بعید بنظر میرسد آقای بنی صدر در این جهت می‌رود که به قدرت مداران بوروکراتیک تکیه نماید. این بوروکراسی همان ازدهائی خواهد بود که بنی صدر را اول از همه خواهد بلعید.

یکی از اساسی ترین علل قیام بقیه در صفحه ۴

پیام نوروزی امام

رهنمودهای امام را تحقق بخشیم

با توجه به شکل گیری نهائی ارکان مختلفه جمهوری اسلامی، پیام امام خمینی بمناسبت سال جدید اختصاصی دارد به اهمیت مسأله‌ی که انقلاب ایران باید در سال جاری مورد توجه قرار دهد.

غالب مسائل مطروحه در پیام چون همیشه میتواند نرسیده گشای معضلات کنونی باشند، مشروط بآنکه نیروهای متعهد سیاسی و مقامات مسئول مملکتی بجای تکرار در حرف باجای آنها در عمل اقدام کنند. و اینک نکات اساسی پیام و بررسی جنبه‌های عملی آن.

« امام خمینی در پیام سال نوبت تاکید بر این واقعیت ستری که "هر دو ابر قدرت کمربندنا بودی ملل مستضعف بسته اند" دشمنی کینه توزانه و ابر قدرت شرق و غرب را با ابر استقلاال و آزادی خلقهای ستمدیده جهان تشریح نموده و از این طریق آن برداشت منحرف از خط امام را که تنها آمریکا را دشمن میدانند ولی با روسیه مماشات میکنند، مردود می شمارد.

نگاهی به اوضاع سیاسی کنونی و ملاحظه رشد گرایش سازش با شرق در صحنه سیاسی کشور، لزوم تاکید دواندیشانه امام بر چنین مسئله خطیری را روشن میسازد. امام بدرستی بر لزوم مبارزه با هر دو ابر قدرت با فشاری میکند زیرا صف بندی نیروهای سیاسی در سطح جهان و در کشور ما ایران چنان است که تنها آندسته از نیروها را میتوان واقعا ضد امپریالیست نامید که در برابر هر دو ابر قدرت شرق و غرب جبهه بگشایند و رگنه ادعای ضد امپریالیست بودن خارج از چنین چارچوبی لاف و کزاف بیبوده‌ای پیش نیست.

« در همین بخش پیام، امام بعنوان وظیفه خطیری برای انقلاب ایران اعلام میکنند که "ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم" و در همین اعلام همبستگی با همه خلقهای که برای بقیه در صفحه ۴

شاه مخلوع یا گولبه باری از جنا پتهای بیشمار رودر حالی که دست انتقا مجوی خلق ستم دیده ما برای مجازات سالهای سیاه و وطن فروشی این جرثومه فساد لحظه ای او را راحت نمیکند، از پانا ما به آغوش سادات گریخت.

مردم رنج دیده میهن ما که برای بازگرداندن شاه جنایتکار و افشای نقش پلیید امپریالیسم امریکادرا ایران درگیر مبارزه ای توده ای و عظیم است، از فرار این عنصر سراپا جنا پت پیشتگی و وطن فروشی که با کمک ارباب امریکائی اش صورت گرفت، یکبار دیگر بخشم آمده و نفرت پایان ناپذیر خویش را از توطئه های امریکائی جهانخوار و کارگزاران سیا، در ابعاد گسترده ایران بیان داشتند.

خشم و نفرت بحق میلیونها ایرانی از امپریالیسم امریکا و رژیم دست نشاندگان اش از سالهای متمادی حاکمیت این ابر قدرت خونریز بر میهن ما سرچشمه میگردد. جنا پتهای بیشماری که امریکا بدست توکروخویش محمدرضا مخلوع به انجام رسانید، اگر در تاریخ بشریت منحصربفرد نباشد، لا اقل از سیاهترین آناست خلق مبارز مادر تاف مبی سالهای حاکمیت این ابر قدرت از پانا نشسته و برای رها نیدن میهن خویش دست به مبارزه و فداکاری های حماسه آفرینی زد تا عاقبت نهضت انقلابی مردم ما با تحمل هزاران هزار شهید ضریات مهلکی بر پیکر امپریالیسم امریکادار عین هوشیاری در مقابل ابر قدرت رقیب شوروی جهانخوار

وارد آورد. شاه مخلوع در حالی که شیخ، انتقا مجوی جوانان بخون خفته این سرزوبوم به دنیا لش روان بود با دستت کا زتلها و تراستهای امپریالیستی به بهانه معالجه به امریکا برده شد که این توطئه نیز سر تراخوش خشمگین میلیونها ایرانی و افشای اینگونه دسایس، نقض برآب شد و شاه جنا پت پیشه همچون موش کثیفی گریزان از روشنائی، به پانا ما گریخت و از آنجا نیز بدنیال اقدامات حقوقی و قضائی ایران، به همراه یاران امریکائی خویش راه مصر را در پیش گرفت.

مردم ایران پس از اطلاع از این خبر، روز پنجم فروردین در تهران، کرمانشاه، کازرون، یزد، یاسوج، تبریز، زنجان، همدان، رامهرمز، ارومیه، بقیه در صفحه ۲

موسی سریتار اسپهبد مسکوست؟ مگر نه اینکه بنیان گزار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی بارها گفته اند که به یاری انقلاب افغانستان بشتابید؟ یا شرکت در الحاکم قصابان خلق افغانستان، ضربه به جنبش مقدس نجات ملی خلقهای افغانستان نیست؟ ملت دلارایران که خود تجربه خوبی را انقلاب بر علیه رژیم خائن شاه و امپریالیسم جنایتکار امریکارا پشت سر دارد، بیش از هر ملتی شرایط خطیر برادران افغانی را درک میکند و آنان را در این مهلکه تنهارها نخواهد کرد. وجدان انقلابی ما اجازه نمیده دتا تن به ذلت پشت کردن به برادران افغانی خود بدهیم. ملت مادر برابر اشغالگران روس مسئولانسه و متعهدانه به یاری انقلاب بقیه در صفحه ۵

آزین بندی خانه شهدا در دومین بهار آزادی

در دومین بهار آزادی مزار شهیدان گل باران شد، خانه شهدا چراغانی شد و مانند سال گذشته مردم میهن، هر کجا که بودند از شهیدان خلق تجلیلی باشکوه چه بسا باشکوه تر از سالهای پیش نمودند.

وقتی میلیونها نفر در گوشه و کنار ایران روز اول عید را بر مزار شهیدان خلق گرد میآیند و با آنان از انقلاب، از تداوم انقلاب، از ادامه راه آنان صحبت میکنند.

وقتی خانه شهدا در شهر و روستا بدست مردمانش، بدست بیاران و رفیقانش چراغان میشود و غریب و آشنا روز اول عید را به خانواده شهدا اختصاص میدهد.

آنوقت نمیتوان از نبودن شهدا صحبت کرد. شهدا هستند آنها زنداند. نامه پیراماد شهید تقی سلیمانی لواسانی (از شهدای سازمان انقلابی سابق) برای نشریه رنجبر فرستاده است. در زیر عین نامه را نقل میکنیم:

درود گرم و صمیمانه مرا بپذیرید در دومین بهار آزادی، جای شهدا خالی - ولی نه خالی نیست از هر قطره خون آنان هزاران لاله روئیده، نوروز امسال بفرموده رهبر عالی قدر خانه هر

شهیدی نور افشان بود چون امسال، چند عید داشتیم یکی دومین بهار بدون شاه دیگری عید سلامتی رهبر عزیزمان و دیگری عید نوروز، پس تبریک ما چند جانبه است.

بقیه در صفحه ۳

اعلامه گروه رازینک

بیاد وارطان سالاخانیان

در تاریخ ۲۹/۱۲/۵۸ بمناست شهادت کارگر مبارز وارطان سالاخانیان اعلامیه ای با امضاء گروه راز میگرا هواز منتشر شده است. عنوان اعلامیه چنین است: با حروف ریز نوشته اند "به یاد وارطان سالاخانیان" با حروف درشت: مبارزیکه از میان مردم بر خیزد خانه در دل آنها دارد.

در اعلامیه ضمن حمله شدید به خیانت های دار و دسته کدیت مرکزی حزب توده از جمله چنین آمده است: "نام وارطان برای مردم ایران نا آشنا نیست. وارطان سالاخانیان در نظر خلقهای ایران تجلی اراده کارگران و زحمتکشان و مظهری از مقاومت در مقابل

بقیه در صفحه ۵

بنی صدر و توطئه رادیو کابل

دفتر جمعیت اسلامی افغانستان در قم طی اطلاعاتی که خبر آن در روزنامه جمهوری اسلامی ششم فروردین آمده است به افشای توطئه جدید تبلیغاتی رژیم دست نشانده کارمل علیه بنی صدر پرداخته است. توطئه گران روسی پیام تبریکی از جانب رئیس جمهوری ایران خطاب به بهرک کارمل از طریق رادیو کابل پخش کرده اند که ضمن آن رژیم کودتاچیان روسی را "دولت دموکراتیک" خوانده است و همچنین از جانب بنی صدر برای بهرک کارمل "رزوی تندرستی و پیروزی وی در بازگرداندن امنیت" به کشور افغانستان شده است. این اعلامیه با تاکید بر موضع بنی صدر در قبال ابر قدرتهای جهانخوار و اشاره به پیام امام خمینی که برای ما شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار فرقی نمیکند از دفتر امام خمینی و دفتر ریاست جمهوری خواست است که دروغ پردازهای کابل را رسماً تکذیب نمایند.



گزارشات شهرستانها

تظاهرات مردم اندیمشک علیه ورود شاه مخلوع به مصر

اندیمشک - ۷ فروردین - مردم اندیمشک به عنوان اعتراض به پناهنده شدن شاه خائن به مصر روز ۵ فروردین دست به یک راهپیمایی زدند. در این راهپیمایی سخنانی درباره جنایت امپریالیسم آمریکا و تجاوز سویال امپریالیسم روس در افغانستان ایراد شد و هم چنین از توطئه های چپ نماها در گنبد و کردستان و از سوء استفاده آنها از خواسته های به حق بیکاران سخن گفته شد. شعار های مردم در این راهپیمایی از جمله چنین بود: دنیا باید بدانند اسلام پیروز است. آمریکا، شوروی، صهیونیسم نابود است.

سخنرانی حزب رنجبران در شیراز و بابل

شیراز - ۱۲۷ سفند. جلسه سخنرانی از طرف حزب رنجبران ایران بخش فارس با عنوان "ایران وتوطئه های دوا بر قدرت". در دانشکده مهندسی شیراز برگزار شد. در این جلسه بیش از ۱۸۰ نفر شرکت داشتند. سخنرانی مورد توجه حاضرین در جلسه قرار گرفت. با بیل - ۱۲۸ سفند. از طرف حزب رنجبران ایران شاخه با بیل جلسه ای تحت عنوان "خط انقلاب: نه شرقی، نه غربی" فقط نه غربی؟" در بابل برگزار شد. در این سخنرانی در حدود ۱۵۰ نفر شرکت داشتند که بیشتر شرکت کنندگان در این جلسه را زحمتکشان تشکیل میدادند. این سخنرانی با استقبال فراوان روبرو شد.

مسافران عید شیراز و بخشنامه مدیر کل

در تعطیلات نوروزی هجوم مسافران نوروزی به شیرازی سابقه بود. بطوریکه تمام هتلها و مسافرخانه ها و حتی منازل خصوصی که در اختیار مسافران قرار گرفته بود مملو از میهمانان بود و شهرداری شیراز نیز در این زمینه فعالیت های چشمگیری داشت به نحوی که برای تهیه جاو خوراک برای مسافران شبانه روز کار میکردند تا آنجائی که حتی مسئولین پارکها و تمام موسساتی که تحت مسئولیت شهرداری است شبانه روز کار میکردند. مشکلی که شهرداری و مسافران در شیراز با آن مواجه بودند این بود که مسافران اجازه ورود به مدارس نداشتند در حالیکه همیشه مسافران نوروزی در تعطیلات نوروز در مدارس مستقر میشدند. در این زمینه مستخدمین مدارس میگویند: از طرف مدیر کل آموزش و پرورش فارس بخشنامه ای بدست تمام مستخدمین رسیده که حق راه دادن مسافران نوروزی را به مدارس ندارند. آنها میگویند ما اجازه نداریم و میترسیم که فردا بیرو نشان کنند که چرا از بخشنامه پیروی نکردید. بطوری که بنا خیر رسید شهرداری یکمک

انتخابات و خان قشقایی

فیروزآباد فارس - ساعت ۱۱/۵ شب شنبه (شبی که میبایست صندوقها جمع شود) عوامل یکی از خوانین قشقایی نقشه حساب شده ای را به اجرا درآوردند. آنها محوطه فرمانداری را اشغال کرده به محل صندوقها حمله بردند و تعداد ۴۲ صندوق از آراء شمارش شده که به ضرر کاندیدهای مورد توجه آنها بود به آتش کشیده شد. فردای آنروز (شنبه) افراد مسلح به انواع اسلحه ها و عده های جماعا قرار و چوب بدست (احیر شده) که در ضمن تعدادی از ساواکیهای شناخته شده در بین آنها دیده میشد به شهر ریخته و پوستریهای انتخاباتی را پاره کردند.

تظاهرات زحمتکشان اهواز

اهواز - ۵ فروردین - در پی اعلام راه پیمایی بخاطر پناه دادن شاه مخلوع در مصر، در اهواز نیز مانند سایر نقاط کشور تظاهرات انجام گرفت. مردم اهواز از چندین نقطه شهر شروع به راهپیمایی نمودند. در یکی از خیابانهای اهواز بنام زند حدود سه هزار نفر از زحمتکشان این نقطه از ساعت بعد از ظهر دست به راهپیمایی زدند. نکته جالب در این راهپیمایی این بود که اکثریت شرکت کنندگان زحمتکش بودند و در این میان تعداد زنان بیشتر از مردان بود راهپیمایی آنها با شعارهایی مانند: مرگ بر آمریکا، مرگ بر شوروی، مرگ بر سادات، مرگ بر صدام حسین، بطرف مسجد حسینیه اعظم خاتمه یافت.

انتخابات

انتخابات، سلامت آن و ایجاد مجلسی را داشتند که با سخگسوی خواستهای مردم باشد. اما آیا همه این نیروها به این خواست اساسی مردم یا سخ گفتند؟ نه، اکثر آنها در عوض اینکها انتخابات را بصورت نمایی از وحدت ملی علیه بر قدرتها بکنند، آنرا به نمایش قدرت و جنت و جدال انحصار طلبیان با مسلمان نماهای سازشکارا ربا شوق و یاران چپ نمایشان تبدیل کردند و انتخاباتی را انجام دادند که در شان ملت ما نبود. آنها به اعتماد مردم ما ضربه زدند و از آن سوء استفاده کردند یا برای چندکرتسی بیشتر دست به تقلب و خلافکاری زدند، یا برای دعواهای فرقه ای لشکرکشی کردند و عمداً برای لوٹ کردن انتخابات و بی حیثیت کردن مجلس آینده نقشه ریختند. از ویژگیهای مرحله اول انتخابات این بود که آقایان بورژوازی متوسط و کوچک، انحصار طلبیان و مسلمان نماها و یاران چپ نمایشان همه دم از تقلب در انتخابات میزنند و یکدیگر را متهم میکنند. اما اکثرشان خود یک پای خلافکاری و لوٹ کردن سلامت انتخابات بودند. آقایان بورژوازی انحصار طلب و مسلمان نماها و چپ نماها در این انتخابات از سکوهای بلند انقلابی که برویشان رفته بودند و بمردم فخر میفروختند و مدالهایشان را بنماشش میگذارشند، بخاطر چند کرتسی بیش و کم، پاشین آمدند (و برخی به منجلا ب افتادند) و مردم میدانند که بخشی از این آقایان بورژوازی که در آن بالای سکوا نقدریاگ و انقلابی می نمودند، چنین نیستند و حاضرند تمام حرفهایشان را بخاطر منافع فرقه ای زیر پا بگذارند. آقایان بورژوازی با بخشنامه ما رکسیست ها را "بعلل مکتبی" از نماینده شدن منع کردند اما خودشان هر آنچه را که مکتبی بود زیر پا گذاشتند. آقایان بورژوازی کوچک ما رکسیست نما (رهبری چریکهای فدا بی) هم که با اصطلاح برای استفاده از زبان رلمان بورژوازی برای افشای بورژوازی در انتخابات شرکت کرده بودند، عمیقاً در منجلا ب تقلبات به، c: l: a: e: f: e: فتنه ما هیت ساسه طقات

رنجبران خواهند گان

زاهدی داد! و بقول یکی از رفقای قدیمی که میگفت: همان روزها افسران میهن پرست را دسته دسته تیرباران میکردند رادیو مسکو و رادیو پاکو و رادیو تاشکند حتی خبر آنرا نقل نمیکرد و در عوض مرتباً "تیلیفات" میگردد که مثلاً " (در کاخ آخستانت خود عمل میاید، هر کدام اینقدر...) روسها و عوامل مزدور مستقیم آنها میدانستند که اگر قدرت مردمی طرفداریان مصدق و چپ و مهارتها و موقعیت سازمان افسری که غالباً میهن پرست بودند نه سرسپرده، با هم تلفیق شود، رژیم مستقل از نوع چین ستوده ای پدید میاید. اینست که جنبش را دانسته خفه کرده اند و توده ایهای راستین را دست بسته تحویل دادند و خود از (کانال) سفارت گریختند تا فرصتی دیگر مردم ما با این سوابق ذهنی وقتی مزدورانی مثل سرتیپ درخشانی و سرلشگر مقربی دستگیر شدند با همه بدبینی که مردم به رژیم کودتای ۲۸ مرداد داشتند، نه تنها ناراحت نشدند بلکه خوشحال نیز گردیدند. باند کیانوری با علم کردن یاد و نام افسران شهید میهن پرست و استقلال طلب و مردم دوست نمیخواهند (روزبه) بسازند بلکه میخواهند مقربی و درخشانی بسازند. اما افسرانی که بیگانه پرست باشند چه آمریکائی و چه روسی منفور مردمند. برادران ارتشی و سربازان نظامی ما توجه داشته باشید و هر نوع تحرک بیگانه پرستانه اعم از صهیونیستی، آمریکائی روسی و انگلیسی را دقیقاً کنترل کنید. اسناد فاش شده تاریخ هوشنگ نپاوندی در مورد رسوخ حزب توده به ارتش هشدار است که باید از زبان دشمن خلق بشنوم. اوبار دیگر تکرار میکنم از هر نوع نفوذ بیگانه - پرستانه چه آمریکایی چه اسرائیلی چه انگلیسی و چه روسی هشیارانه جلو گیری کنیم بویژه با حوادثی که در تبریز رخ داد و نقش موزیانه چپ - نمایان در ایجاد تفرقه در صفوف نیروهای انتظامی و وضع مرزهای جنوب، غرب و شرق ثابت میکند که هشدار میهن پرستان بیجان نیست و برادران پاسدار و انتظامی ما در برابر هر نوع عامل، نفوذ، حاسه، خائنه...

آقای سردبیر محترم نشریه رنجبر ضمن آرزوی توفیق بیش از پیش شما در تبلیغ و ترویج (راه نه شرقی نه غربی) که همان راه امام خمینی است، گوشه ای دیگر از تبلیغات مسموم باند کیانوری را با یادی از شهید قهرمان راستین خسرو روزبه بیان میدارم امید که بویژه برای توجه برادران ارتشی و انتظامی امر بطبع فرمائید. حزب توده همواره و بویژه در سالهای اخیر یکی از اهداف سرخنه در ارتش و در صورت امکان بر پا کردن رژیم پویشالی از نوع آنچه اربابانش در افغانستان علم کرده اند، بوده است. بدین منظور یکی از مضامین اصلی روضه خوانیهای باند کیانوری یادویا دیو افسران شهید توده ایست. آنان فرزندان پاکباز و سربلند این آب و خاک بودند و برجسته ترین شان روزبه که تا سال ۱۳۳۲ بعد از فرار مدعیان فعلی و متلاشی شده بیشتر شبکه ها باز هم بطور فردی بکار افتاد. گری و سازماندهی بقایای توده ایهای مبارز ادامه میداد که در آخرین دفاعیه اش (نسخه های دستنویس سابق را بخوانید، نسخه چاپ شده اخیر را توده چپی ها دستکاری کرده اند) با سر - فرازی بیان داشته و مرگ پر افتخار را بر زندگی انگلی ننگین امثال کیانوری ترجیح داد. روزبه در درجه اول یک میهن پرست بود، یعنی آب و خاک و مردم این کشور از جان خود دوست تر میداشت. او در اطاعت (کورکورانه) که انبر عمیقی در خوانندگان آنروز و حتی امروز میگذاشت و میگذارد نوشته است. روس وانگلیس یا هر ملت دیگری برای ما بیگانه است و ما باید فقط و فقط حافظ منافع ملت ایران باشیم. " صفحه ۲۰ در جای دیگر روشنتر گفته است: " ما بحکم میهن پرستی و علاقه به تمامیت ارضی و استقلال کامل ایران با هر کشوری که مخالف شئون خود - مختاری ما باشد باید نبرد کنیم و جان نثار نمائیم " - صفحه ۲۰. در جریان کودتای ۲۸ مرداد روزبه، از پیش به کمیته مرکزی هشدار داد ولی آنان مانع مقاومت شدند (۳۲/۵/۲۵) و در روز ۲۸ مرداد هم پیشهاد ضد کودتاداد باز هم نگذاشتند در آن موقع حدود ۶۰ افسر در سازمان

سایر مسئولین امور قادر شده‌اند در بهای مدارس را بروی میهمانان باز کنند. صحبتی که با چندین خانواده مسافر داشتیم از شهرداری شیراز بسیار راضی بودند. حال باید پرسید چرا بوروکرات‌ها چنین بخشنامه‌ای علیه راحتی و منافع مردم می‌دهند؟

دعوی گاندیدای پیگار بافر ماندار آبادان

آبادان - ۲۳ اسفند - گاندیدای سازمان پیگار در آبادان به نام "فرج‌الله دشتیانی" روز پنجشنبه ۲۳ اسفند با عده‌ای از اعضای این سازمان به فرمانداری شهر می‌روند و از مسئولین فرمانداری می‌خواهند که برای هر حوزه رای در شهریک تا نظار سازمان آنها انتخاب شود. مسئولین فرمانداری می‌گویند که این کار غیر ممکن است و به تعداد گاندیداهای می‌توان تاظر انتخاب کرد. این مسئولین توضیح می‌دهند که مهلت برای این کار تاروز دوشنبه گذشته بوده و دیگر دیر شده است. دست‌آخرا این بحث و مجادله به دعوی می‌کشد و گویا گاندیدای پیگار یا ممت به صورت معاون فرماندار می‌کوبد و به همراه دو نفر دیگر از بارانش فرار می‌کند.

مسئولین فرمانداری پاسداران را خبر می‌کنند و در نتیجه ۵ نفر از اعضای پیگار باز داشت می‌شوند. گفته می‌شود که پیگارها در فرمانداری نوار گفته‌های مسئولین را مخفیانه بر کرده‌اند. مامورین انتظامی خواهان استر داد نوار در مقابل باز داشت شدگان می‌شوند. پیگارها در شهرها پلاکاردهای "بیورش ارتجاع" واقعه را توضیح می‌دهند و در عین حال عده‌ای از جوانان مسلمان هم دست به افشاگری در شهر می‌زنند.

فرماندار و معاونش در ساعت ۹/۳۰ همان شب در تلویزیون حاضر شده و جریان واقعه را بدون ذکر نام گاندیدای سازمان پیگار توضیح می‌دهند.

چرا حوادث اندیشک پیش آمد؟

دزفول - جمعیت زنان ایران بخش دزفول در اعلامیه‌ای که درباره حوادث اخیر اندیشک منتشر کرده است. به حوادثی که در این مدت در نقاط مختلف ایران توسط عمال دوا بر قدرت روی داده است اشاره کرده و چنین نوشته است: "بعد از حوادث کردستان، خوزستان گنبد اکنون نوبت اندیشک رسیده است موضوع دراند - یشک از چه قرار است؟ در حدود سه ماه قبل کانونی به نام کانون مستقل پیگار در اندیشک بوجود آمد. خواسته پیگار این بدست آوردن کار بود که این خواسته کاملاً "بحقی است ولی از همان آغاز حضرات توده‌ای و چریک رهبری این کانون را بدست گرفتند. هدف این آقایان حل مسائل بیگاران نبود بلکه سوء استفاده از این جریان برای تضعیف دولت ملی بود. این جریان ادامه داشت تا اینکه در روز پنجشنبه ۲۳ اسفند بیگاران دور هم جمع شدند و بعد با خطر انتخابات مجلس شورای ملی آنرا به روز شنبه موکول کردند با این پیام که "روز شنبه با تدارک کامل می‌آئیم" روز شنبه صبح این آقایان سعی کردند راه آهن اندیشک را اشغال کنند ولی موفق نشدند و بعد از آن با شعار سرمایه‌دار نابود است به بازار روز اندیشک حمله می‌کنند و شروع به حیف و میل میوه - جات کاسبکاران خرده پای بازار می‌نمایند. بازاربان هم به خاطر دفاع از خود با چوب در مقابل آنها می‌ایستند و درگیری شروع می‌شود. در نتیجه پاسداران مجبور به دخالت شدند و عده‌ای از مهاجمین را دستگیر کرده و به محل سپاه پاسداران می‌برند مهاجمین هم اینرا بهانه کرده و جلوی محل سپاه پاسداران جمع می‌شوند و آزادی دوستان نشان را می‌خواهند و هر چه پاسداران از آنها می‌خواهند که متفرق شوند آنها اعتنا نمی‌کنند و شروع به پرتاب سنگ می‌کنند و در همین اثناء تعداد زیادی از اهالی اندیشک خود را به محل سپاه پاسداران رسانده و به حمایت پاسداران بر می‌خیزند."

خود را به زحمتکشان نشان دادند. آقایان بورژوازی کوچک مسلمان نما که سنگ زحمتکشان را به سینه می‌زدند و علیه ارتجاع شعار می‌دهند هم تا خرخره در تقلب و خلافکاری سراسری فرورفتند و نشان دادند که مسئله اصلی شان نه مردم، بلکه قدرت طلبی خودشان است. و آنوقت که پرده اول تمام شد، فریاد آبی تقلب آقایان بر سر یکدیگر باران گرفت. اما مردم هیچ یک را محق نمی‌دانند و حق بر چسب زدن را به هیچ طرف نمی‌دهند.

مرحله دوم در پیش است و اینکه آقایان بورژوازی با زهم می‌خواهند ضربه دیگری به اعتماد مردم به جمهوری اسلامی و انقلاب بزنند، و پرده دومی مانند اول بازی کنند یا نه، بسته به خودشان است. اما مردم ما مبارزه توده‌ای خود را برای استقلال، آزادی و رفاه دنبال خواهند کرد. گرچه مجلسی سنگری از این مبارزه است و هنوز هم باید برای تقویت آن کوشید اما زحمتکشان ما میدانند که مسأله سیاسی اساسی کشور در خارج مجلس، در جنبش‌های توده‌ای، در مبارزه طبقاتی و ملی در صحنه اجتماعات است. میشود و وظایف سیاسی شان برای مبارزه با ابرقدرتها، مبارزه برای وحدت بزرگ ملی، مبارزه برای آزادی، برای معیشت مکفی و رفاه پایا ن نیافتاده است و در مجلس هم محدود نمی‌شود. عملکرد آقایان بورژوازی از تمام دستجات در این انتخابات در پرورنده‌ی مردم ما ثبت شد و باقی خواهد ماند. آنها باید کمکی بیشتر فروتن بیاورند، از سکوهای پائین بیایند و در عمل نشان دهند که حاضرند برای منافع اکثریت کار کنند.

اعلامیه حزب

به همان گونه که سال پیش با شعار "استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی (به ویژه رفاه زحمتکشان)" و به خاطر ادامه انقلاب به پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران پرداختیم، اینک در آستانه‌ی دومین سالگرد تاسیس آن را از مردم قهرمان ایران، از احزاب، سازمان‌ها، گروه‌ها و شخصیت‌های ضد امپریالیست، استقلال طلب، آزادیخواه انقلابی دعوت می‌کنیم برای بزرگداشت این روز تاریخی در راهیمنای روز سه‌شنبه ۱۲ فروردین که به دعوت رئیس جمهور آقای بنی‌صدر صورت گرفته است وسیعاً شرکت کنند و یک بار دیگر عزم خود را در ساختن ایرانی مستقل، آزاد، شکوفان و متکی بخود و همچنین در دفاع از مبارزات رهایی بخش کلیه خلقهای تحت ستم جهان علیه امپریالیسم به ویژه دو ابر قدرت جهان خوار آمریکا و روسیه نشان دهند.

زنده باد انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ایران
به رهبری امام خمینی
نه آمریکا، نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود
دبیر خانه - حزب رنجبران ایران
۱۳۵۹/۱/۹

* خشم بحق مردم ...

اهواز و صدها شهر کوچک و بزرگ به خیابانها آمده و خشم و نفرت خویش را از شاه مخلوع، امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم رژیم سادات و نوطوطه‌های ابر قدرت روسیه ابراز داشتند. مردم میهن ما در فراز و نشیب‌های چند مدت اخیر بخوبی نشان دادند که مصمم‌اند

تصمیمی مستند بود. چر چنین شد... اولاً باین دلیل که توده‌های هادریان موقع نیز علی‌رغم تظاهرات چپ‌روانه بقول خود روزبه رفرمیست بودند نه انقلابی (صفحه ۵۸-۹) بعلاوه بنظر می‌آید کودتا به توافق دو ابر قدرت صورت گرفت چرا که روسیه ده تن طلا را که بدولت ایران بدهکار بوده به مصدق که در مضیقه ارزی بود نداد اما به

نشریه محترم رنجبر من یک فرد مسلمان و هوا دار شما می‌باشم. این روزها ما شاهدیم که چطور می‌شود خیلی آسان روشنفکر شد و از مرحله ارتجاعی بودن بیرون آمدن مگر می‌شود هوا دار چریک نباشی و تهمت و بر چسب نخوری؟ مگر جرئت می‌کنی که موضع چریکها را در برابر انقلاب غلط بدانی و یا حتی انتقادی بکنی؟ زیرا بلا فاصله مرتجع می‌شوی. می‌گویند، آقا روحانیت کدام است؟ در جواب می‌گوئیم: همان جناحی است که در دوران انقلاب در صف مقدم تظاهرات بودند و مردم را به مبارزه علیه رژیم وابسته شاه تشویق می‌کردند.

آقا امام کدام است؟ در جواب: همان کسی است که توانست رهبری انقلاب را به عهده بگیرد و قدرت آمریکا را در ایران براندازد. آقا اسلام کدام است. اصلاً هر کس مذهبی باشد خرافاتی است. در جواب: همان مذهبی بود که توانست توده‌های مردم را بسیج کند تا رژیم شاه را در سایه وحدتی که در پناه مذهب بوجود آمده بود سرنگون کند. و خلاصه از این قبیل شیرین - سخن‌ها.

"دوستان عزیز حزب رنجبران سلام امیدوارم که حالتان خوب بوده و در مبارزات علیه حکومت‌های خونخوار جهان بخصوص روسیه و آمریکا دشمنان خلقهای جهان و مردم زحمتکش ایران هستند موفق باشید. من همیشه روزنامه‌ها و کتابهای شما را می‌خوانم خیلی هم راضی هستم که در ایران ما حزبی وجود دارد که ضد ابر قدرتهای خونخوار هست.

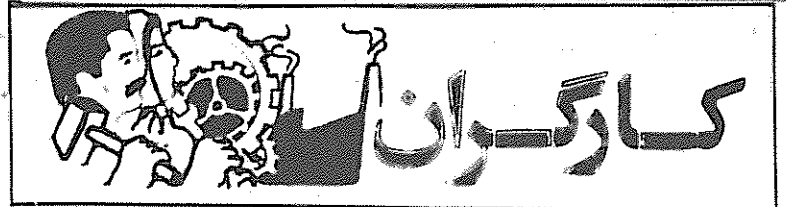
مدیر محترم روزنامه رنجبر
۵۸/۱۲/۲۲
احتراماً در رابطه با تبلیغات خنک‌وبی ماه‌های که هواداران با اصطلاح مجاهدین راه انداخته‌اند و با یک نوع روحیه تهاجمی... به فعالیت مشغولند واقعه‌ای را که در شب اتفاق افتاد (۲۱/۵۸/۱۲/۵۸) عیناً منویسم خوانندگان

سپاسی باید بیدار باشند و این جز با آگاهی اجمالی از ایدئولوژیها و موقعیت ژئوپولیتیک ما امکان پذیر نیست. بر عهده مسئولان انقلابیست که باین مهم نیز بپردازند. با احترامات فائقه عطاالله جعفری
۵۸/۱۲/۴

می‌پرسم برادر انقلابی پس از انقلاب، و هوا دار چریکها، آیا تو می‌دانی که این موضع گیری جنابعالی چه ضربه‌ای بر پیگار آبروی برآوردفته این سازمان می‌زند؟ اکثر قریب به اتفاق هواداران از آن کسانی هستند که در دوران انقلاب در حاشیه انقلاب بودند و حالا چریک نیمه وقت شده‌اند و یا از آن اشخاصی هستند که در بهترین منازل و با شیک ترین لباس‌ها و اتومبیل زندگی می‌کنند و حالا دارند سنگ زحمتکش را به سینه خود می‌زنند. در یکی از سخنرانی‌هایی که یکی از اعضای چریکها در شهر خودمان که شهر کوچکی است داشت تمام هواداران سازمان که جمع شدند ۱۲۰ نفر بودند. آنها در قسمت پول دارهای شهرخانه داشتند کسانی بودند که در گذشته و حال فساد اخلاقی داشته‌اند و الان رفته‌اند هوا دار چریکها شده‌اند. حالا یاد گرفتیم که راه روشنفکر شدن چیست؟ راهش این است که خیلی آسان می‌باشد آن هم فقط: روحانیت را به کوبی تا روشنفکریت ثابت شود!!!

اندیشک ح. آ.
من برای شما یک پیشنهاد دارم که مربوط به مجله خلق است که بهتر است بجای مجله بصورت کتاب منتشر شود (به فرم ستاره سرخ قبلی). این عید سعید باستانی را به تمام زحمتکشان ایران و جهان تبریک می‌گویم. به امید پیروزی خط نه شرقی نه غربی پیروزی شما را خواهانم.
هنریک
۵۸/۱۲/۱۶

رنجبر قضاوت کنند (هر چند آن آقای هوادار مجاهد شماره ۱۲/۲۱ رنجبر نظرات (رنجبر) و خوانندگان آنرا "اراجب" نامیده‌است.) باری در شهر ماهمدان شخصی از تهران آمده بود در اجتماعي بفتح مجاهدین و گاندیدای آنها در صفحه ۵ بقیه در صفحه ۵



کارگران ماشین سازی تبریز

در سایه اتحاد و باخنتی کردن توطئه عوامل طرفدار روس

توانستند قسمتی از حق خود را بطور علی الحساب دریافت کنند

کارگران ماشین سازی تبریز پس از تحصن دو روزه که به خاطر دریافت سود ویژه وعیدی صورت گرفته بود، مدیر عامل کارخانه را وادار به پرداخت مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال بابت عیدی به هر کارگر نمودند. کارگران که در روزهای دوشنبه ۲۷ و سه شنبه ۲۸ اسفند دست به تحصن زده بودند، به دنبال مذاکره نمایندگان خود با مقامات استانداری، با صدور قطعنامه‌ای در سه بند به تحصن خود خاتمه دادند. در قطعنامه کارگران ماشین سازی آمده است که:

۱- "ما کارگران فعلا به طور علی الحساب با مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال موافقت می‌کنیم و بعد از تعطیلات عید به کار ادامه خواهیم داد.

۲- ما کارگران رویه غیر اصولی در مورد پرداخت سود ویژه و عیدی و سیاست تفرقه افکنانه را محکوم می‌کنیم.

۳- ما از کارخانجاتی که از ما پشتیبانی کرده‌اند تشکر می‌نمائیم.

مبارزه عادلانه و به حق کارگران ماشین سازی تبریز به خاطر دریافت سود ویژه و عیدی در طی اسفند ماه سال گذشته شدت گرفت. این مبارزه به دنبال مذاکرات نمایندگان شوراهای کارگران با مدیران کارخانجات تابعه و مذاکره با استاندار و گفتگو با وزیر کار و وزیر صنایع و هادن که با عدم موفقیت همراه بود به تحصن کارگران انجامید. از جمله عوامل که در تحصن

خواسته‌های تاکسیرانان آبادان

خبرنگار رنجبران آبادان در صحبت با یکی از رانندگان شرکت تاکسیرانی گلستان، در مورد مسائل و مشکلات این زحمتکش می‌نویسد:

"شرکت تاکسیرانی گلستان در آبادان ۱۰ نفر راننده تمام وقت در استخدام دارد که روی انواع اتومبیل متعلق به شرکت کار می‌کنند. علاوه بر این عده‌ای هم با اتومبیل‌های خود در خدمت شرکت میباشند. یکی از این رانندگان می‌گوید:

"ما به معنی واقعی کلمه استئما می‌شویم. کارمان از ۷ صبح شروع میشود و تا وقتی که مسافر به ما احتیاج دارد با یستی با اینطرف و آنطرف برویم. غالبا به شهرهای مختلف خوزستان ونیز به تهران و سایر شهرهای ایران مسافر می‌بریم. بعضی وقتها چند روز در سفر هستیم و یا اینکه ممکن است تا ۲ بعد از نیمه شب کار کرده و سپس ۷ صبح روز بعد باید بدنبال مسافر دیگری برویم. روزهای پنجشنبه و جمعه هم استراحت نداریم. ما حساب شرکت می‌گوییم، با پیدا اینجا با شیم شاید مسافر نقدی پیدا شود.

این همه مصائب فقط و فقط برای ماهی ۱۸۰۰ تومان و یا ۱۶۰۰ تومان میباشد. سه اضافه کاری، نه حق مسکن و نه حتی پول ناهار، از بس ناهار، نان و پنیر خوردیم خسته شده‌ایم. اگر خدای ناکرده خراشی به اتومبیل بیفتد، ما باید پولش را بدهیم. از همه بدتر اینکه بیمه نیستیم. در این جاده ها که خطر هر لحظه ما را تهدید میکند، هیچگونه تاء مینی نداریم، و در صورت بروز حادثه علاوه بر خرج مداوی خود، باید خسارت اتومبیل را هم بپردازیم. اگر چه مکان

با اجرای هر چه سو رعتر قانون ارضی، انقلاب را استحکام بخشیم

درباره "لایحه واگذاری و احیای اراضی" که به تصویب شورای انقلاب رسیده و نکات مثبت و کمبودهای آن، مقاله‌ای در "رنجبر" شماره ۳۰ پنجشنبه ۱۶ اسفند ماه ۵۸ بجای رسیده است. در اینجا مجدداً به این قانون برخورد میکنیم و بعضی از جوانب دیگر آنرا در مرحله اجرا مورد بررسی قرار میدهم.

حدود هفتصد هزار خانوار دهقان بی زمین، بیش از یک میلیون خانوار دهقان دارای کمتر از ۲ هکتار زمین که فقط ۴/۵ درصد از زمین‌های زیر کشت در روستاها را در اختیار دارند، در حالیکه مجموعاً جمعیتی

قریب به ده میلیون نفر را نمایندگی میکنند، یکی از نتایج شوم سیاستهای ننگین رژیم گذشته میباشد که برای جمهوری اسلامی بر جای مانده است. اگر باین عده حدود پانصد هزار خانوار دهقان، دارای ۵ - ۲ هکتار زمین که درآمد اکثر آنها از طریق کشاورزی بر روی زمین خود، برای گذران زندگی کافی نیست را نیز اضافه کنیم، حدود هفتاد درصد از جمعیت روستائین و قریب به یک سوم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد. این توده عظیم انسانی در حال حاضر و نیز در آینده میتواند برای تداوم انقلاب پشتوانه‌ای محکم باشد اما مسائل و مشکلات آنها برای ضد انقلاب نیز محیطی مساعد



جهت فریبکاری و دغلبازیست. نحوه برخورد به این واقعیت تلخ و چگونگی سیاست دولت در قبال آنست که وجود این بخش عظیم جامعه ما را در صف انقلاب تضمین می‌کند. ره‌آورد بی توجهی باین مسئله پس از پیروزی قیام ۲۲ بهمن بسیاری از تشنجاتی است که در گوشه و کنار کشور رخ داده و هنوز ادامه دارد. این اشاره کوتاه به این واقعیت نشان میدهد که اجرای هر چه سریعتر و قاطع تر قانون ارضی یعنی قانون "واگذاری و احیای اراضی" که از تصویب شورای انقلاب گذشته است، در درجه اول اهمیت قرار دارد. ما ضمن بررسی کلی قانون مذکور در این شماره، سعی خواهیم کرد که در شماره‌های آینده جوانب مختلف آنرا بیشتر بشکافیم.

هدف تأمین استقلال ملی در زمینه تولید کشاورزی در حد خود کفائی و شاید فراتر از آن و نیز تأمین تا حدودی عدالت اجتماعی در جهت منافع زحمتکش مفاد کلی قانون مذکور را تشکیل میدهد. لکن با وجود جنبه‌های مثبت، وجود زمینه‌های منفی بخصوص در زمینه عملی‌راکه در رابطه با این قانون موجود است نمیتوان از نظر دور داشت.

بقیه در صفحه ۴

مبارزه روستائیان ملکان علیه بی عدالتی

که سلطان و ایلادی اوسالهار واداشته اند در مورد ثروت سلطان که محصول غارت مردم است گفتند که گوشه‌ای از آنرا می‌آوریم:

"سلطان در باروق زمینها را تصاحب کرده و یا در آن کسب زمینها مال اوست در شوره جاده و زمینهای کشاورزان را تصاحب کرده و به دامادش بخشیده. در میرزا نظام همه زمینهای را که به زور از اهالی گرفته به دامادش داده تا همه زمینها

در بی گزارشاتی که از طرف نمایندگان شورای اده جالخانماز، میرزا نظام، آبدیشه، آق کند باروق و شوره جاده در شماره‌های گذشته در "رنجبر" نوشتیم این هفته عکسی از زحمی‌های حمله چماقداران و مزدوران مختاری (سلطان) به اهالی دهو گفتگو و عکسی از تعدادی از اعضای شورای قانونی و مردمی ده جالخانماز به دفتر رنجبر در تبریز رسید. اعضای شورادر مورد ظلم و ستمی



انجامید. از جمله عواملی که در وجود آمدن نا رضایی در بین کارگران و واحد شدن موضوع تاثیر منفی داشته است می توان از اخلال و کار شکنی عوامل طرفدار حزب توده نام برد که در اس بعضی قسمتهای کارخانه گمارده شده اند. این دار و دسته برای ایجاد نا رضایی در بین کارگران و رو در رو قرار دادن آنها در مقابل دولت، به طور ریا کارانه از دو تاکتیک جداگانه و در عین حال مکمل یکدیگر استفاده می کنند.

از یک طرف یک مسئول کارخانه که از بدو شروع به کار از در مخالفت با کارگران در آمده است با پرداخت سود ویژه و عیدی به میزانی که کارگران در خواست کرده اند شدیداً مخالفت می کند و چنین عنوان می کند که: " دستورات شورای انقلاب و سازمان گسترش را اجرا خواهد کرد "

نه به عنوان مزد به کارگران زحمتکش که بار تولید را به دوش دارند پرداخت می شود به هیچ وجه کفاف زندگی آنها را نمی دهد. فشار کمیابی و گرانی بی بند و بار بیشتر متوجه زحمتکشان است. . . . و در چنین اوضاع و احوال، آنچه که به عنوان سود ویژه و عیدی به کارگران پرداخت میشود در واقع بخشی از حقوق مسلم و طبیعی آنهاست و نقشی اساسی را در تامین حداقل زندگی آنها دارد. برای بالا بردن تولید و برای تامین استقلال - اقتصادی کشور باید به وضع زحمتکشان و تولید کنندگان کشور هم توجه شود و از این طریق جلوی فعالیت های خرابکارانه عوامل بیگانه و وابسته به امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی عوامل حزب توده را در کارخانه ها و واحدهای تولیدی سد نمود.

پیروزی کارگران شرکت مانا (زاهدان)

کارگران شرکت ساختمانی مانا (زاهدان) که از روز ۲ اسفند ماه دست از کار کشیده و خواستار ۴ ساعت کار در هفته و دوروز تعطیل شده بودند، پس از یک هفته اعتصاب در محل کارگاه به خواسته های خود رسیدند. حدود یک ماه و نیم پیش این کارگران پس از یک روز تحصن، به قسمتی از خواسته های خویش دست یافته بودند، و در مورد بقیه خواسته ها قرار شده بود که کار فرما (دانشگاه سیستان و بلوچستان) بعد از دو هفته به آنان جواب دهد. در روز ۲۷ بهمن کارگران در محل شرکت تحصن کرده و از روز شنبه

عیدی کارگران شهرداری شیراز

عیدی و پاداش است. فقط هر ۶ ماه یکبار ۴۰۰ تومان پول لباس به ما میدهند و حالا هم میگویند عیدی و پاداش خبری نیست. در مقابل خواست بحسب این زحمتکشان شهرداری شیراز به آنها میگوید: " برای عیدی و پاداش بودجه ای در نظر گرفته نشده است."

مريض شویبا بدیدول دوا و درماش را تا دینا ر آخربدهیم ، زیبرا کا رفر ما لیست بیمه راردنمیکنند . این شخص قبل از انقلاب در شرکت های خارجی کار میکرد و به انقلاب اعتقاد داروتنداوم آنرا لازم میدانند. حداقل خواسته های خودوهمکارانش را بیمه شدن وپرداخت اضافه کاری ۸ ساعت کاردر روز میدانند.

اواضا فیه میکند: " درمحل ما کسائی هستند که از هزار تا ده هزار تومان برای انجام اعمال ضدانقلابی دستمزد میدهند. مثلاً جوانی برای سه هزار تومان میخواست بیمی پشت مسجد بزرگان بگذارد که بمب در دستش منفجر شد و آنرا قطع کرد. دولت باید برای بیگاران چاره ای بیاندیشد."

آزمین بندی

با نور و گرمی وجودشان روشنی بخشیدند من تصمیم را عوض کردم و در کرمان شاهماندم چون مردم بدیدن خانواده شهدا میآمدند و این درست نبود که من در خانه نیامم. من از دوستان تقی که برایم همانند تقی هستند سیاسی و تشکر فراوان دارم و همیشه لطف این عزیزان شامل حال من است و بقدری این بچه ها خوبند و مهربانند که در بودن آنها من کمتر احساس نبودن فرزندم را میکنم بله، نه تقی بودونه دختر تقی. من بدختر فرزند شهیدم سمیرامیس سلیمانی لواسانی دومین بهار آزادی را تبریک میگویم و او را از راه دور میبوسم، او را که بوی فرزندم را میدهد ولی پدر او مقاوم بود، مانند گوهالبرز در برابر درخیمان شاه مقاومت کرد و منم در ندیدن دختر فرزند شهیدم مقاوم هستم چون من برانسر جانم دختر تقی را دوست دارم و دقیقه ای از او و پدرش جدا نیستم. راحتی او را خواهانم. تقی جان شیرا، خوشش را برای مردمش داد که از دست ظلم رهائی یابند و من که خودم را مادر تقی میدانم ظلم نباید بکشم چون ظلم پایه ندارد دیدم که آه مادران داغدار چگونه شاه را با آنهم قدرت سرنگون کرد. بله حق به حق دار میرسد. من از فرسنگها راه دور روی چون ماهوار را میبوسم که این آزادی را مدیون خون پدرش و هزاران هزار شهید دیگر هستم.



تعدادی از اعضای شورای ده چالخاماز

زحمتکشان زابلی مقیم گرگان زمین به کسانی بدهید که روی آن کار میکنند

روستای لمسک که محل زندگی زابلیها می باشد در هفت کیلو متری گرگان واقع است. اکثر این مردم در زمان طاغوت به علت فقر و ستم از زابل به اینجا آمدند. برای روشن شدن مسائل و مشکلاتشان پای صحبت چند تن از آنان می نشینیم. یکی از آنان به اسم محمد امیر پرور چنین می گفت: من پدر یک خانواده ۱۵ نفری هستم، ۱۴ سال است که در این منطقه به کار کشاورزی مشغولم. کار ما، کارگری در زمین ارباب است. در سال ۱۰۰۰ بوط می چینیم و ۱۰۰۰ تومان مزد می گیریم و تمام در آمد سالیانه ما همین هزار تومان است. ما با ۱۰ نفر آدم با این هزار تومان چکار می توانیم بکنیم؟ ما الان نه زندگی داریم نه روزی، ما هیچ چیز نداریم. به علت نداشتن پول بچه هایم بیسوادند، به جز یک نفر که آن هم باید روزی ۳ تومان کرایه رفت و برگشت به گرگان بدهد و دادن این پول برایمان بسیار مشکل است. من الان پول یک لیتر نفت را هم ندارم که لااقل شب را بتوانیم گرم باشیم. من از کار آبادی جنگل ها شروع کردم تا به کشاورزی رسیدم و الان هیچ درآمدی نداریم و منتظریم که پنبه در بیاید و کارگری کنیم. و الان مجبوریم از یک زمیندار پول بپردازیم. در ده لمسک، روستاییان زمینها را گرفتند و کاشتند ولی به ما چیزی



بلوت جودی فام (قالی باف) کسه بدست ایادی سلطان زخمی شده است

تشکیل شوراهای روستائی در ۶۰ قریه استان خوزستان

اهواز - خبرگزاری پارس - ۹ فروردین - شوراهای روستائی در سطح بیش از ۶۰ قریه استان خوزستان تشکیل شد. این شورا ها که از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خوزستان تشکیل شد در آینده نیز تمام روستا های این استان را زیر پوشش خود در می آورد، در جهت عمران و آبادی روستا ها، حل اختلافات و تقسیم املاک فتوئال ها بین کشاورزان مستضعف اقدام خواهد کرد. یکی از مسئولان سپاه پاسداران در تماس با خبرگزاری پارس در اهواز با اعلام این خبر گفت اقدام به تشکیل شوراهای روستائی که یک عمل انقلابی است برای کوتاه کردن دست فتوئال های مزبور و رفع هر گونه ستم و استثمار از روستائیان صورت گرفته است، یاد آور می شود که اعضای شوراهای روستائی از بین نمایندگان روستائیان و توسط خود آنان انتخاب می شوند. خالی برای خوردن داشته باشیم. تجربه ای سالهای طولانی مبارزه طبقاتی در روستا و تجربه یکسال پس از انقلاب هم نشان داده است که زحمتکشان روستائی تنها با مشکل شدن است که می توانند به خواسته های خود برسند و تا آنها به نیروی متشکل خود تکیه نکنند و با زحمتکشان سایر خلقها در این منطقه متحد نشوند، تغییر واقعی در زندگی شان بوجود نخواهد آمد.

گزارشاتی از بحثها و مجادلات (۳)

مبارزه سر اسری علیه جبهه روسی انقیاد ملی

مبارزه سر تا سر مردم میهن ما علیه جبهه روسی انقیاد ملی بر توان تر و پر جوش و خروش تر از گذشته همچنان ادامه دارد و هر روز کمیت بیشتری از مردم، کوچه و بازار، از زحمتکشان به صفوف این مبارزه می پیوندند و مردم استقلال طلب و قهرمان میهن، در افشای دو ابر قدرت آمریکا و روسیه، در افشای مسز دوران امپریالیسم روس در پاسداری از خط نه شرقی، نه غربی، نه آمریکا، نه روسیه نقش فعالانه تری را ایفاء می کنند.

ما سعی می کنیم با درج گزارشاتی از مبارزه توده های مردم با مبلغین تجاوزگران شرق این جریان حاد سیاسی را در "رنجبر" انعکاس دهیم. مبارزه های که در هفته های آخر اسفند ماه ۵۸ به علت فعالیت های انتخاباتی دار و دسته کیانوری و سازشکاران بسا سوسیال امپریالیسم روس در کوچه و بازار، در روستا و کارخانه کشور شدت گرفت.

۱۲ اسفند - مشهد

در روز ۱۲ اسفند که رئیس جمهور به مشهد آمده بود و در مسجد دانشگاه سخنرانی داشت، در حدود ۶ نفر که برای فروش "رنجبر" و جزوه افغانستان رفته بودند به عده ای بر خوردیم که بحث می کردند و در میان این عده یک نفر توده ای را هم می شناختیم ما در بحث وارد شدیم و چیزی نگذشته بود که مردم از خط نه آمریکا، نه روسیه پشتیبانی کردند و در مدت سه ربع که بحث به طول انجامید چند نفری آدرس ما را خواستند که در اختیارشان گذاشتیم و برای فروش بقیه جزوات و رنجبرها به سوی چهار راه لشکر راه افتادیم در آنجا عده ای از ما در یک سمت خیابان ایستادیم و شروع به فروش نمودیم.

یک نفر توده ای هم که حدود ۲۷ الی ۲۸ سال داشت زورکی می خواست روس نامه مردم را به ملت بفروشد ما به افشاگری در مورد دو ابر قدرت آمریکا و روسیه و دار و دسته کیانوری پرداختیم و هشدار حزب در مورد خطر کودتای روسی را فریاد می زدیم در همین حین یک توده ای دیگر را دیدیم که اعلامیه انتخاباتی بخش ما را که د

نقل قولهایی از روس نامه خود شما در ۵ اسفند است آنها مرا تهدید به کتک زدن کردند و بعد از چند لحظه به سوی من حمله ور شدند، پیراهنم را پاره کردند اعلامیه ها را گرفتند و در همین حین مردم رسیدند، مردم استقلال خواه، مردم قهرمان، سرعیا اعلامیه ها را از دست آنها پس گرفتند بر خطنه آمریکا نه روسیه مهر تشدید زدند چرا که خط امام است، خط توده های مردم است، اعلامیه ها را به من دادند و مرا تشویق به چسباندن بقیه اعلامیه ها نمودند.

۲۳ اسفند - تبریز

در خیابان تربیت "رنجبر" می فروختم بسیاری از مغازه داران و زحمتکسانی که در این خیابان در مغازه ها و ... کار می کنند، بعد از ظهرهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه منتظر رنجبر هستند که به آنها برسانیم. در نزدیکی های تقاطع خیابان تربیت فردوسی یک نفر از پشت سر گفت "امریکائی"، خائن، شروع کردم به بلند تر داد زدن تیرهای رنجبر، نه تحت الحمایه آمریکا، نه تحت الحمایه روسیه - مجلس و دوا بر قدرت تجدید قرار داد گاز و منطق استعماری روس ها و ... مردم جمع شدند گفتند چی شده آقای رنجبر گفتیم این میگه من امریکائی هستم و باید جلوی همه شما ثابت کند، یالا ثابت کن شروع کرد به تعریف قصه های کیانوری شما مسیر ملت را منحرف می کنید امروز دشمن فقط امریکاست فردا و پس فردا هم فقط آمریکا شما می گوئید روسیه، گفتیم مردم به نظر شما دشمن کیست من می گویم هم آمریکا، هم روسیه، من می گویم هم غرب جنایتکار هم شرق تجاوزگر، ... همه مردم با استثنای یکی دو نفر گفتند درسته درسته، گفتیم خط من، خط ما، خط ملت نه شرقیه و نه غربیه، خط شما نه غربیه ولی شرقیه همه گفتند درسته گفتیم خوب

بوروکراسی
وسیع توده ها در انقلاب، ستمی بود که توسط بوروکراسی اداری و نظامی عظیم شاه به مردم اقشار و طبقات مختلف روا میشد هر جا بالهای این

ارگان حزب رنجبران ایران

* با اجرای هر چه ...

نکات مثبت و منفی در قانون
"واگذاری و احیاء اراضی"

مشغول چسباندن بودیم که دیدیم دو نفر پشت سر ما می آیند یکی گفت تو مطمئنی که می خواهی کودتا کنی بر گشتم او را شناختم توده ای بود و مسئول بخش روس نامه مردم در اهواز است و دیگری به نام الف را هم می شناسم او نیز از عاشقان باند کیانوری است گفتیم من شما ها را می شناسم بروید بی کارتان یا به قضاوت مردم بگذاریم که طبق معمول دم دراز شان را روی کولشان گذاشتند و فرار را بر قرار ترجیح دادند.

در خیابان ۲۴ متری دیدیم چند جوان "مردم" فروش و فریب خورده باند کیانوری مشغول چسباندن پوستر کاندیداهای حزب توده هستند و چند نفری دور و برشان جمع شده اند شروع به توضیح و بخش اعلامیه حزب کردم و به مرد مسنی دادم گفت مگر روسیه در ایران جاسوس دارد که شما خطر کودتایش را می گوئید گفتیم اینها هاش، اینجا دارند عکسهایشان را می چسباندند. یک مرتبه زد زیر خنده و مردم هم که چند تاشی ناظر جریان بودند با صدای بلند خندیدند و حرف های ما را تشدید می کردند. جوانانی که اعلامیه کاندیداهای حزب توده را می چسباندند خیلی سریع با ساطشان را جمع کردند و رفتند.

دهقانان بی زمین و کم زمین، نقش آنها در قانون و اختیارات هیئت ۷ نفری.

هیئت ۷ نفری پیش بینی شده برای نظارت و اجرای قانون، بهیچ وجه نمیتواند صاحبان اصلی ادعا یعنی دهقانان بی زمین و کم زمین را نمایندگی کند. زیرا اولاً ۵ نفر از هیئت مذکور از نهادهای دولتی هستند و با توجه به اختیارات فوق العاده و غیر محدودی که دارند به دلایل گوناگون می توانند بصورت یک عامل بازدارنده در راه اجرای صحیح قانون در آید.

تجربه یکساله اخیر نشان داده است که بخش قابل توجهی از نارسائی ها در امور اجرایی را نهادهای افراد و افکار بوروکراتیکی باعث شده اند که اکثر "تربیت شده سیستم پرورده بوروکراسی رژیم گذشته هستند و در بسیاری موارد جز به ظاهر از عمق انقلاب و محتوای اصلی آن بدورند. از این گذشته وجود قدرت در دست بوروکراسی احتمال اعمال نفوذهای اداری و بومی را افزایش می دهد. در ثانی ۲ نفر نماینده پیش بینی شده در قانون که از شورای ده هستند، از کجا معلوم که از

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمکهای خود را بانک ملی ایران

به حساب بانکی زیرواریز نمائید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر شماره حساب ۴۵۳۶۸

رفقا، دوستان دریا سخ گوئی به دعوت حزب برای کمک جهت رفع مشکلات مالی، جنبش تقویت بنیه مالی حزب با شور و شوق اعضا و هواداران و دوستان حزب روبرو شده که بخشی از کمکها را در لیست زیر درج میکنیم:

جمع آوری طرفداران حزب در آذربایجان ۷۰۰۰۰ ریال
کردستان ۱۲۰۰۰۰ ریال
جمعیت از دانشجویان مبارز ۱۵۰۰۰۰ ریال
جمع آوری تعدادی از جوانان انقلابی ۱۹۰۰۰۰ ریال
جم آفراسیابی ۵۰۰۰۰۰ ریال
کمک خندپزشک ۳۰۰۰۰۰۰ ریال
مهربان ۱۰۰۰۰۰ ریال

* رهنمودهای امام را ...

استقلال و آزادی خویش در حال ستیز با ابرقدرتها هستند، بطور ویژه ضرورت حمایت از جنبشهای آزادیبخش فلسطین و افغانستان را برجسته مینمایند و دیگر صریحاً اعلام میکنند که: "پشتیبانی خود را از فلسطین رشید و لبنان عزیز اعلام میدارم. من با ردیگر اشغال سبعا نه افغانستان را توسط چپا و لگران و اشغالگران شرق متجاوز محکوم مینمایم و امیدوارم هر چه زودتر مردم مسلمان و اصیل افغانستان به پیروزی و استقلال حقیقی برسند."

تا کیدا ما مبرود جنبش آزادیبخش مذکور بجهت ویژگی های آنان است. ویژگی جنبش آزادیبخش فلسطین و افغانستان در آنستکه این دو انقلاب گذشته از اینکه نبرد نیستند توده های مسلحانه بر علیه ابرقدرتهای آمریکا و روسیه، در همین حال دارای ابعاد بین المللی از نقطه نظر مقابله با منافع ویرانگرهای استراتژیک دوا بر قدرت و نقشه های جنگ آفریزانه آنان نیز هست. زیرا آمریکا توسط صهیونیستها فلسطین را اشغال نموده تا از سلطه جهانی خود دفاع کند و روسیه چون فاشیسم هیتلری مستقیماً افغانستان را اشغال کرده تا نقشه استراتژیک سلطه کامل خود بر جهان را پیاده نماید. و از اینرو مقابله با انقلاب فلسطین و افغانستان با دوا بر قدرت گذشته از یکپارگی عادلانه برای آزاد ساختن سرزمینهای اشغالی خود، در مضمون حاوی رسالتی است که بشریت مترقی بر دوش خلقهای قهرمان فلسطین و افغانستان نهاده تا در صف مقدم مبارزه با تضعیف هر چه بیشتر ابر قدرت آمریکا و ضربه زدن به توسعه طلبی ابر قدرت روس، از تحقق نقشه تدارکی دوا بر قدرت برای آغاز جنگ جهانی جدید جلوگیری کنند و درست رسالت تاریخی این دوا انقلاب است که وظیفه حمایت ویژه از آنان را ایجاب مینماید.

اما در اجرای رهنمودهای فدائیمبریا لیستی اما مایبند و نکته مهم در نظر گرفتن و بکار بست.

جلوتر از آن دو جوان راه افتاده بودند و داد می‌زدند اعلامیه پخش کن روسی داره می‌آید که این صحنه بسیار جالبی بود و ما که در این طرف خیابان رنجبر می‌فروختیم با مردم در مورد خطرات دو ابر قدرت، هشدار حزب در مورد کودتای روسی و ... بحث می‌کردیم جمعیتی نزدیکه ۵ نفر بودیم که بحث های ما تا ساعت ۷ بعد از ظهر به طول انجامید و در طول این مدت عمق استقلال طلبی، عشق به میهن، نفرت از دو ابر قدرت رادر قلب تک تک هم میهنان خود احساس کردیم و در تأیید هائی که از "رنجبر" ما، از خطنه آمریکا، نه روسیه بعمل می‌آورد این مطلب را به وضوح دیدیم.

۱۲ اسفند - آبادان

دار و دسته کیانوری در آبادان به لطف رولهای روسی تبلیغات وسیعی برای انتخابات مجلس شورا در سطح شهر براه انداخته بودند صحنه‌ای که باز گو می‌کنیم یکی از هزاران هزار عکس العمل انقلابی توده‌های انقلابی مردم میهن ما در مقابل اعلامیه های مزدوران ابر قدرت روس است، در مرکز شهر آبادان شخصی که یکی از این اعلامیه‌های باند کیانوری را گرفته بود به شخص دیگری که نمونه همان اعلامیه در دستش بوده می‌گوید می‌خواهی برایت پاره‌اش کنم که هر دو با هم چند لحظه پس از پخش اعلامیه‌ها، این ورق پاره‌ها را تکه‌تکه می‌کنند و به زمین می‌ریزند، در همین حال جوانک "مردم" فروشی وارد جمع می‌شود و به خیال خودش می‌خواهد بحث راه بیندازد، همین دو نفر باو نزدیک میشوند می‌گویند آقا میشه این روزنامه را پاره کرد؟ "مردم" فروش می‌گوید نه، و این دو نفر هم می‌گویند آره تو راست می‌گوئی نباید پاره‌اش کرد چون خیابان کثیف می‌شود باید سوزاندش.

۱۸ اسفند - شیراز

من اعلامیه‌های هشدار حزب در مورد کودتای روس را در خیابانهای شیراز نصب می‌کردم در ساعت ۳ بعد از ظهر در نزدیکی حافظیه یکی از این اعلامیه‌ها را نصب کردم که ناگهان گروهی از جوجه گشتاپوهای حزب توده آمدند و آن را از دیوار با حرص و کینه شدیدی گندند و پاره پاره کردند. من اعتراض کردم و بهشان گفتم این کاغذ

این هفت تو که ترحم ولی باید باز هم ثابت کنی من "امریکائی" هستم گفت شماها لات هستید من با شما بحث ندارم و مردم باو خندیدند و دست از پا درازتر با دو تا "رفیقش" که در میان جمعیت باصطلاح می‌خواستند خرابکاری کنند از معرکه فرار کردند.

۲۱ اسفند - اهواز

بعزاز اینکه قرار بود در دانشکده کشاورزی اهواز جلسه‌ای از طرف هواداران حزب رنجبران ایران بر گزار شود (که البته بعلت اخلال و توطئه چپ نماها برهبری مزدوران باند کیانوری برگزار شد) اعلامیه‌ای از طرف حزب رنجبران ایران پخش کردیم که در آن می‌چ چپ نماها و رهبران آنها باند کیانوری را باز کرده بودیم. در هر مرحله‌ای که رفتیم حق را به جانب ما دادند، مردم از کم و کیف قضیه تا حدی با خبر بودند و مشت این "دموکرات" ها و "آزادی" طلب نماها مدتتها بود برایشان باز شده بود. در محله‌ای فقیر نشین که اعلامیه را پخش می‌کردیم با استقبال شدیدی روبرو شد، به هر دکان که می‌رفتیم، به هر کس که اعلامیه را می‌دادیم همه می‌گفتند دوستان، فالانژهای واقعی را خودمان خوب می‌شناسیم. به جوان کارگری بر خورد کردیم گفت: بی دانیید چرا این کارها را می‌کنند، چون شما در میان مردم هستید، با مردم هستید و این چپ نماها از این ناراحت هستند که خط ملت نه آمریکا، نه روسیه است، نه شرقی، نه غربی است و مقداری اعلامیه را از من گرفت تا بعد از کارش پخش کند.

به چادری که ستاد چند مسلمان گاندید مجلس شورا بود رفتم از موضوع با خبر بودند از اعلامیه‌ها استقبال کردند و یک نفر از آنها در بحثی ضمن تاکید بر خط ملت که نه شرقی و نه غربی است باقی اعلامیه‌ها را که چند تائی بیشتر نبود گرفت تا به چند نفر از آشنایانش بدهد.

برای چسباندن اعلامیه‌های توطئه کودتای روسی باند کیانوری به یکی از خیابانهای مرکز شهر رفتیم و دیدیم

خفاش خون آشام گسترده شده بود آنجا مقاومت زیادتر بود و در پایتخت بی شک تأثیر داشت. با انحلال ساواک و اعدام چند مامور عالی‌رتبه آن، و فرار بعضی از بوروکرات‌های بزرگ اداری و نظامی نباید فکر کرد که مساله بوروکراسی حل شده است. آقای بنی صدر کافی است کمی از وقت خود را صرف نامه‌هایی کند که مردم برای او می‌نویسند. بی شک عمده‌ی این نامه‌ها شکایت مردم از بوروکراسی است.

این بوروکراسی وجدان توده‌ای ندارد، خط مشی توده‌ای ندارد بجای رویه مردم، پشت به مردم کرده و منافعی را در حفظ خود بعنوان یک دستگاه مسلط بر مردم میدانند. دیکتاتوری، اعمال زور و توهین به مردم شیوه‌ی رایج در این دستگاه بوده و پس از انقلاب هم همچنان ادامه دارد. فساد در بوروکراسی غوغا میکند. رشوه خواری، نور چشم بازی ضوابط حاکم است - دستگاه اداری کاری انجام نمی‌دهد. دستگاه اداری، بدور از وضع توده‌ی وسیع ماست، جدا از زندگی میکند و بهیچوجه درد و رنج آنها را نمی‌فهمد. شعارش خدمت به این مردم انقلابی، به این مردم محتاج و بهیچ مستضعفین نیست. دستگاه اداری ما خود ضد قانون، ضد نظم انقلابی و انضباط انقلابی بوده و یکی از سدهای بزرگ در برابر برقراری نظم انقلابی واقعی در جامعه می‌باشد. انقلاب ما به نظم انقلابی متکی به مردم، در خدمت مردم احتیاج دارد و درست بهمین علت دستگاه اداری نظامی، در برابرش ایستاده است.

حمله‌ی ما به دستگاه اداری - نظامی بمعنای حمله به تمام کارکنان این دستگاه نیست، بی شک انسان‌های انقلابی و نیمه انقلابی و بی طرف و خیرخواه در آن بسیارند و حتی اکثریت را تشکیل میدهند، مساله بر سر دستگاه است، دستگاهی که حتی بهترین افراد انقلابی را نیز قربانی خود میسازد و او را بعنوان یک انسان مفید عملاً فلج مینماید. حزب ما نوسازی دستگاه اداری و نظامی را بخشی مهم از برنامه ایجاد نظم انقلابی میدانند و عمیقاً اعتقاد دارد بدون این نوسازی، برقراری نظم انقلابی میسر نیست.

دهقانان بی زمین و کم زمین دفاع می‌کنند؟ به ویژه اینکه بسیاری از شوراها ده که تاکنون تشکیل شده است به دور از دسترسی منتقدین روستاها نبوده و وجود آنها در هیئت ۷ نفری آنها بعنوان نماینده روستائیان راه را برای جهت گیری هیئت بر ضد دهقانان فقیر و بنفع منتقدین روستا باز میگذازد.

این در فوق العاده مهمی است که باید بدان توجه جدی میدول داشت. فقط دهقانان بی زمین و کم - زمین هستند که صلاحیت شرکت در هیئت ۷ نفری را دارند. کلی بودن قانون و شرایط متنوع کشور: تنوع مشکلات ارضی در مناطق گوناگون کشور که ناشی از شرایط خاص هر ناحیه، نوع مناسبات ارضی حاکم بر منطقه، دعاواها و کشمکش های قومی و ... نیز زدوبندهائی میباشد که بهنگام باصلاح اصلاحات ارضی رژیم گذشته صورت گرفته میباشد، مثلا در زمینه جمع آوری نسق‌های کوچک با نام‌های گوناگون (طومار سازی) که در حال حاضر عملاً تحت کنترل یک مالک میباشد لکن از نظر ظاهری و حقوقی چنین نیست، (با توجه به نامشخص بودن دقیق حد خرده مالکی منطقه و اختیار مطلق هیئت در این مورد) و دهمبا مشکل بومی دیگر. وضع آئین نامه‌های محلی را ایجاد میکنند که قبل از تهیه و تدوین آنها پیاده کردن قانون ممکن نیست. از آنجائی که این آئین نامه‌ها بموارد مشخص و جزئی میردازد تدوین آنها از پشت میزهای وزارت کشاورزی ممکن نبوده و باید با شرکت دادن هر چه وسیعتر توده‌های دهقانی، به خصوص دهقانان بی زمین و کم زمین در هر ناحیه مقررات مستحکم و حتی الامکان بدون عیب و نقص وضع گردد.

کمبود سرمایه مشکلی همیای مشکل زمین:

مسئله زمین را به تنهایی مشکل توده‌های فقیر دهقانی دانستن و واگذاری زمین به آنها را تنها راه نجات آنان و نیز کشاورزی ایران قلمداد کردن، اشتباه بزرگیست. سرمایه داری وابسته رژیم گذشته که بویژه پس از "اصلاحات ارضی" نفوذ خود را در روستاها وسعت بخشید و سایه شوم خود را (به ویژه بخش بوروکراتیک دولتی آن) بر مجموع

ستمدیده‌ی جهان بمعنی درامورد اخلی آنان نیست، هیچ یک از خلقهای جهان نه احتیاج به قسیم دارند و نه محتاج کسانی هستند که بجای شان انقلاب نما بیندازد اینروا بین پشتیبانی و حمایت با پیدا ز موضعی خالصانه و فروتنانه وبدون دخالت درامورد اخلی شان صورت گیرد.

دوم آنکه امر مقابله با سلطه گرائی و جنگ افروری دو ابر قدرت امر مشترک همه کشورهای جهان سوم است. کشورهای جهان سوم هر یک بنحوی و در سطحی خواستار و مصمم به مقابله با ابر قدرتها هستند. در چنین شرایطی بخصوص در منطقه خاور میانه انقلاب ایران با پیدا سیاستی واقع بینانه و جدا از هرگونه انحصار طلبی و ماجراجوئی به امر متحد ساختن همه نیروهای ممکن بر علیه دو ابر قدرت و ایجاد وسیعترین جبهه بر ضد سلطه طلبی و جنگ افروری آنان همت گمارد. ایجاد چنین جبهه‌ای در منطقه گذشته از آنکه برای تحقق وظیفه اساسی فوق نیروی

مهمی را متمرکز میسازد، گذشته از آنکه از کشیده شدن نیروهای متزلزل و بیینابینی منطقه به دامن این و یا آن ابر قدرت جلوگیری کرد، در عین حال هاله‌ای مستحکم نیز بر گردانقلاب ایران ایجاد نموده و توطئه محاصره و منفرد ساختن آنرا عقیم میگذازد.

مادر شماره آینده نکات دیگر پیام را که در رابطه با اوضاع سیاسی داخل کشور است مورد بررسی قرار خواهیم داد.

قانون "واگذاری واحیاء اراضی" را نه در خدمت دهقانان فقیر و نه در جهت خود کفائی کشاورزی به کار گرفت.

آنچه که در اجرای این قانون نگران کننده است، همین زمینه‌های منفی میباشد که دست سودجویان و منفعت پرستانی را که ندای مخالفت با آنرا سر داده‌اند، حتی در صورت تصمم قاطع دولت در اجرای آن، باز میگذارد تا از آن بازم بنفع خود بهره گیرند. اجرای هر چه سریعتر و قاطع تر و نیز رفع کمبودهای اساسی که در رابطه با قانون مذکور وجود دارد و به بخشی از آنها اشاره رفت، امری است که می‌تواند در سرنوشت انقلاب اسلامی ایران تأثیری به سزا داشته باشد.

رنجبر
ارگان حزب رنجبران ایران
صاحب امتیاز و سردبیر فرامرز وزیر
مدیر مسئول - علی حجت نشانی - خیابان انقلاب جنب سینما رونال خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷ نشانی پستی - تهران صندوق پستی ۳۱۴ - ۱۴۰۱ تلفن ۸۳۰۶۹۱ چاپ سکه منطقه پستی ۱۵

اقتصاد روستائی کشور تحمیل کرد علاوه بر نابودی کشاورزی چنان درجه‌ای از فقر برای دهقانان فقیر و چنان وابستگی برده وار شدیدی به دستگاه دولتی وابسته برای آنان و نیز دهقانان میانه حال و حتی سرمایه داران متوسط روستاها پدید آورد که روی اربابان فئودال را سفید کرد. علاوه بر توده وسیع دهقانان فقیر که در ابتدای مقاله بدانها اشاره شد، حدود ششصد هزار خانوار دهقانان میانه حال نیز اسیر قوانین باقیمانده از سرمایه داری وابسته رژیم شاه در زمینه کشاورزی میباشند. تقریباً تمام قوانین جاری برای ایجاد تسهیلات در امر کشاورزی و کمک به روستائیان چه در مورد وام و چه در مورد یذر، کود، آب و وسایل فنی که همگی آنها ناشی از کمبود سرمایه است، همان قوانین گذشته میباشد و بر هیچ کس پوشیده نیست که آن قوانین جزئی از مجموعه سیستم سرمایه داری وابسته شاه بود که برای بهره کشی وحشیانه از کشاورزان زحمتکش ایران تدوین شده بود و حاصلی جز باز کردن راه نابودی کشاورزی و فقر و فاقه دهقانان نداشت. در صورتی که یک برخورد کاملاً "رادیکال" در جهت دگرگون کردن قوانین مذکور صورت نگیرد و قوانین جدید برای حل مشکل سرمایه در روستاها بر پایه رفاه دهقانان بی زمین و کم زمین و نیز دهقانان میانه حال وضع نگرند، بهیچوجه نمیتوان

مرجع کیست؟

روحانیت استقلال طلب یا سازشکاران با غرب و شرق؟

از همان فردای پیروزی قیام بهمین (و یا شاید بهتر است گفته شود از زمانی که روحانیت مبارز در رأس جنبش مردم قرار گرفت)، یک کارزار سیاسی از طرف نیروهای بسط اصطلاح دمکرات، "مترقی" متحد، چپ نما و... علیه روحانیت مبارز استقلال طلب آغاز شد.

و این معیار اساسی شناخت ارتجاع از مترقی در دنیای کنونی است. حال با توجه به این حقیقت و این معیار، نگاهی به نظرات "ترقی" خواهان انقلابی ضد روحانیت در کشور خودمان بیاندازیم.

اینها اساسا بر دو دسته اند:

اول: عناصر باقیمانده از رژیم طاغوت و پایه های اجتماعی آن رژیم و قشرهایی که غرب زده اند. اینها از جانب داشتن بینش عربی از جانب یک سلسله امتیازاتی که رابطه استعماری غرب با کشور ما برای آنها فراهم کرده بود و انقلاب آنها تغییر داد، به روحانیت حمله میکنند و او را ارتجاعی می نامند. برای اینها طرز زندگی بطور سابق و آنهم برای قشر محدود خودشان (که از ۱۰٪ جمعیت هم تجاوز نمیکند) مهمترین مسئله است و سعادت و بهروزی ۹۰٪ جمعیت زحمتکش کشور که امپریالیسم آنها و کشورشان را غارت کرده و مانع ترقی و رفاه و سعادت آنان شده بود. اما اینها در شرایط کنونی از نظر سیاسی خطر عمده را تشکیل نمی دهند. خطر عمده از سوی دسته دوم است. دسته دوم، نیروهای هستند که خطرناکترند، چه با لباس انقلابی و اسلامی به میدان می آیند و وجه مشترک تمام آنها، ارتباط و سازش با شرق از سطح توجیه جنایات او گرفته تا خیال واهی داشتن نسبت به کمک او تا سطح طرفداری آشکار و مزدوری روسیه است. نگاهی به چپ نماها (رهبری غاصب سازمان چریک ها) بیاندازید، سپس عناصر ضد روحانیت دیگر (بیکار، راه کارگر، ...) یا مسلمانانی که روسیه را امپریالیست نمی دانند (گرایش در رهبری مجاهدین)، رهبری حزب توده که وضع روشن است و سیاست مودیان تأکید در ظاهر و مخالفت در باطن را در قبال روحانیت دارد و بالاخره قهرمانان ضد سازشکاری که به سازشکاران با غرب می نازند و خود با شرق سازش میکنند را ببینید، آری همه اینها، برچم دروغین ضد ارتجاعی را برافراشته اند و روحانیت مبارز استقلال طلب را

مضمون اساسی این کارزار، زدن بر چسب ارتجاعی به این بخش مهم از خلق و پیشتر انقلاب اخیر بود. برچسب هایی همچون سرکوبگر آزادی، های دمکراتیک، فاشیست، سازشکار با طاغوت و غرب، واپس گرا و مخالف ترقی، ضد زحمتکش، حاشیه نشین میوه چین انقلاب و... در ابتدا برچسب های کارزار زشت، نیرو- های چپ نما (رهبری غاصب، چریک ها، سازمان بیکار)، سپس دمکرات نمای با اصطلاح متجدد و غرب زده، رهبری وابسته به روس حزب توده، و سپس نیروهای مسلمان نمای با اصطلاح مترقی و متجدد (چون گرایش در رهبری سازمان مجاهدین و سایر مسلمانان با اصطلاح دمکرات) بودند. البته زدن بر چسب ارتجاعی به روحانیت مبارز و استقلال طلب چیز تازه ای نبود و نیست. همه اوائل سال های ۴۰ و قیام ۱۵ خرداد را به یاد داریم که بطور عوامل غرب و شرق هم زمان با هم روحانیت مبارز را کوبیدند و بر آن بر چسب ارتجاعی زدند. از یک سو رژیم شاه به عنوان بزرگترین مزدور آمریکا چنین بر چسبی را زد و هم زمان با او رهبری حزب توده و اربابان روسی شان روحانیت مبارز را نیروهای ارتجاعی سیاه، واپس گرا و طرفدار فئودالیسم و... خواندند. اما امروزه تفاوت آن است که این برچسب از جانب کسانی به روحانیت استقلال طلب زده می شود که لباس انقلابی چپ و مترقی و دمکرات را به تن کرده اند و عایدی ضد امپریالیست بودن طرفدار زحمتکش بودن را هم می کنند.

واقعیت چیست، با چه معیاری در دنیای کنونی باید مترقی را از ارتجاعی شناخت و جدا کرد؟ ارتجاعی یعنی آن نیروها، افکار

امروز افغانستان، فردا بلوچستان

سلطه جوئی و تعارض امپریالیسم روسیه در منطقه با هدف نهائی دستیابی به آب های گرم خلیج فارس و دریای عربی، دارای چهار رکن اساسی میباشد:

اشغال نظامی افغانستان - تدارک کودتای روسی در ایران - بزیروسلطه در آوردن بلوچستان - وگسیل ناوگانهای دریائی به اقیانوس هند و دریای عربی و تحکیم تقویت پایگاههای دریائی در بین جنوبی سرزمین بلوچستان که در ایران، افغانستان و پاکستان گسترده است چه از نظر موقعیت استراتژیک و چه از نظر منابع و معادن طبیعی نفتی مهمی را در معرض شور و در این منطقه دارا میباشد. بلوچستان دارای منابع

اهمیت استراتژیک و جغرافیائی بلوچستان بر مراتب از اهمیت منابع طبیعی آن بیشتر است. در واقع بلوچستان پلی است ما بین آسیای مرکزی و آبهای گرم دریای آزاد. بلوچستان هم چنین از طریق دوبندر چاه بهایا در ایران و گوادا در پاکستان به تنگه هرمز که شاهراه عبور کشتی های نفت کش می باشد متصل میشود. امپریالیسم روسیه از اوایل سالهای ۱۹۷۰ اهداف توسعه طلبانه خود را با خیال ایجاد "جمهوری کبیر بلوچستان" در این سرزمین شروع کرد و با سوء استفاده از تضادهای ملی و مذهبی موجود و با دادن من زدن بآن نفوذ خود را گسترش داد. در سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ با مسلح ساختن برخی قبایل بلوچ و سازماندهی در بین روشنفکران بلوچ (پاکستانی) طرفدار

کارآموزش نظامی ۳ تا ۴ هزار نفر از افراد قبایل بلوچ در فندها را یاکت جنوبی افغانستان می باشد. همچنین مستشاران کوبائی در مرز پاکستان - افغانستان در حال تعلیم عملیات چریکی به افراد بلوچ و پشتوئی میباشد.

ارتش شوروی پس از اشغال نظامی افغانستان، از دوست هرات و کابل بطرف شهر قندهار حرکت کرده و این شهر را تصرف میکنند. هم اکنون یک لشکر روس در این شهر مستقر میباشد. ۳۰۰ تا ۴۰۰ نیز در پارساگاه مرزی "سپین بالداک" که فقط ۳ کیلومتر با شهر مرزی "چمان" در پاکستان فاصله دارد مستقر شده اند. تا نکها وزره پوشهای روسی نیز در "تخت پل" در ۴۵ کیلومتری چمان دیده شده اند. یک مرکز فرماندهی در "شوراواک" در مرز پاکستان - افغانستان در شمال غربی بلوچستان استقرار یافته است و در شهرهای مرزی "شین داند" و "فرح" در غرب افغانستان و جنوب شرقی ایران فریدگاههای نظامی با مهمات و تسلیحات کافی ساخته شده اند. از طرف دیگر در اقیانوس هند و گان روسی در نزدیکی دریای عربی در رفت و آمد است و کشتیهای ۶۴۵۰ تنی روسیه بنام "تامان" که بسواخل پیشرفته ای مجهز است مستقر شده تا کشتی های نفت کش و سایر کشتی های دریائی را کنترل کنند. این اقدامات تدارک همه جانبه ای را برای تصرف بلوچستان از طرف روسها نشان میدهد.

در مقابل با چنین تدارک تعرض به بلوچستان لازم است که خلقهای ایران و پاکستان و بویژه خلق بلوچ هوشیاری خود را نسبت به سیاستهای توسعه طلبانه سوسیالیست امپریالیسم روسیه بالابردند و از هم اکنون تدارک شکست چنین تعرضی را فراهم ببینند.



و معادن گاز، نفت، آهن، گوگرد، مس، طلا و... بوده و از این لحاظ بسیار رغبتی است. معدن کرم " کوتا " در بلوچستان (پاکستان) از بزرگترین معادن کرم جهان است. ارزش معدن " سیندک " در بلوچستان (پاکستان) بالغ بر ۴ میلیارد دلار تخمین زده شده است.

خودش دست به ایجاد " جنبه آزادبخش خلق بلوچ " زد. هم زمان با کودتای تره کی در اردیبهشت ۱۳۵۷، تظاهراتی بنفع تره کی در این منطقه سازمان داد. تظاهرات کنندگان عکسهای تره کی را حمل میکردند و بنفع وی شعار میدادند. بگزارش منابع اطلاعاتی هند هم اکنون شوروی دست اندر

راه حل قاطع انقلابی نماها!

در بحبوحه بحث‌ها و مطالعات مختلف اقتصادی و سیاسی در باره چگونگی رسیدن به استقلال کامل و قطع هر گونه وابستگی به خارج و کوشش مقامات مسئول برای تنظیم برنامه و طرح‌های مختلف دراز مدت و کوتاه مدت در این باره، یکی از هفته نامه‌های انقلابی نمایان دو آتشه نیز اخیراً "نسخه مبتکرانه و صد در صد قاطع" خود را برای استقلال ایران ارائه کرده است.

این هفته نامه محاصره اقتصادی ایران توسط امپریالیست‌ها را چاره کار ارزیابی نموده و در مقام تاسف از کوتاهی امپریالیست‌ها در محاصره ایران و فواید این محاصره می‌نویسد:

"در این محاصره جریان نفت بخارج قطع می‌شود، با اینکار قراردادهای استعماری نفت یکسره باطل و بی اعتبار میگشت، وابستگی ارتش ضربه میدید و سرمایه‌داری وابسته و صنایع مونتاژ متلاشی میگشت، همه سازشکاران و مرتجعین صحنه را ترک میکردند و میدان یکسره در اختیار ملت مبارز و انقلابی قرا میگرفت!"

معلوم نیست این باصطلاح "انقلابیون مکتبی" سیاست را در کدام "مکتب" آموخته‌اند که چنین بیمارگونه از محاصره ایران توسط امپریالیست‌ها به نیکی یاد میکنند؟ شاید التهاب و اشتیاق اینان به گرایش به طرف شرق و کمبودبانه‌های لازم باعث شده که به تمجید توطئه‌های امپریالیست‌ها بر علیه انقلاب ایران بپردازند و آنرا مثبت ارزیابی کنند!

با حساب این آقایان ملت ما می‌بایست گذشته از امپریالیست‌ها که محاصره ایران می‌خواهند استقلال را بملت ما بازگردانند می‌بایست از خرابکارانی که لوله‌های نفت را جهت اخلال در صدور آن منفجر می‌نمایند نیز سیاست‌گذار باشد. چرا که قطع جریان نفت پنا بگفته آقایان "قراردادهای استعماری را یکسره باطل و بی اعتبار مینماید!"

وحدت با سایر ملل جهان سوم در دست گیردتا از سوء استفاده امپریالیسم آمریکا از این مسئله جلوگیری نماید.

از همین روست که ملت ما با تحریم المپیک مسکو بمثابه یک اعتراض سیاسی به اشغال افغانستان عزیز توسط سوسیال امپریالیسم روس توطئه‌های دوا بر قدرت را خنثی کرده و وظیفه خود را نسبت بخلق قهرمان افغانستان ادا خواهد کرد.

ما از همه هم میهنان دعوت می‌کنیم که بهر نوع که مناسب می‌بینند صدای خود را در دفاع از خلق افغانستان و تحریم المپیک سوسیال فاشیست‌های شوروی بلند کنند و از مقامات مسئول کشور بخواهند که نه تنها این المپیک روسی را تحریم نمایند بلکه فعالانسه برای ایجاد جنبشی در جهان سوم برای تحریم این المپیک و کوتاه کردن دست توطئه‌گر آمریکا، فعالیت کنند.

دبیرخانه حزب رنجبران ایران ۵۹/۱/۹

رنجبر و خوانندگان

صحبت کند ما هم رفتیم ببینیم چه می‌گوید؟ مخصوصاً می‌خواستیم بفهمیم موضع اینها در برابر سوسیال امپریالیست‌های روس چیست؟ و در جایی که امام خمینی از شرق تجاوزگر و عرب جنایتکار سخن می‌گویند "مجاهدین اسلام" چه می‌گویند؟

اما سخنران آنچه گفتگفت و توضیح نداد همین مطلب مهم بود و در عوض مرتباً از شهدای سابق این سازمان مثال میزد و به ارتجاع که مقصودش همان اسلام مبارزانه شرقی و نه غربی برهبری امام خمینی میباشد می‌ناخست و با آنکه سرتاسر خیابانهای همدان را دختر و پسرهایی که به اصرار بصرم "مجاهد" و حتی "گار" حفته میکنند برگردانده بازهم از فشار و اختناق دم میزدند. اوشعار میدادند مرگ بر ارتجاع.

در این میان ناگهان برق رفت و میان حاضرین که اکثر "دختر و پسرهای جوان و مادران آنها بودند" قبل و بعد افتاد. . . . سخنران محترم که مانده بود چه بگوید مضمونی بدست آورده گفت: "ما به خلق قهرمان اعلام میداریم که چون ارتجاع با جفاکاری از پیش نبرد حالا برق را قطع میکند که صدای ما بگوش جهان برسد." وسائل ناگهان روشن شد ملاحظه گردید یک سوم میلیتای دلاور جیم شده بودند در ضمن وقتی بیرون آمدیم و تا کسی سوار شدیم راننده گفت در تمام شهر برق رفته بوده است. . . . با تقدیم احترام - یک فرهنگی همدانی ۵۸/۱۲/۲۲

"مدیر روزنامه رنجبر آقای علی حجت مقاله که در روزنامه رنجبر نوشته بودید درباره تعطیلات عید نوروز دانش آموزان که نوشته بودید از شما سپاس‌گزاری می‌کنیم و من به عنوان یک دانش آموز به شما تبریک می‌گویم و از شما می‌خواهم کاری کنید که تعطیل عید نوروز دانش آموزان همان ۳ روزر شود. فرزاد دهقانی ۵۸/۱۲/۱۵

رهبری ملی شدن نفت. وی در این سالها از هیچ کوششی در جهت اوج‌گیری جنبش ضد استعماری طبقه کارگر کوتاهی نکرد و در این رابطه به عضویت سازمان جوانان حزب توده ایران در آمد و در زمانی که خائنین کمیته مرکزی حزب توده ندامت نامه‌های خود را می‌نوشتند و ارطالان سالانیه

کف می‌کنند یا نه؟ والبتنه هستند عناصری که برایشانی در میان جناحهای حاکم و بخشی از روحانیت که به امر مبارزه معیشتی خلق و خواسته‌های دمکراتیک آن توجه ندارد و سیاست نادرست سرکوب یا بی تفاوتی را در پیش می‌گیرد، انحصار طلب است و ضد زمختش. این سیاست هم، مانند سیاست روحانیت و مسلمان‌نمایی طرفدار روس، به مبارزه اصلی ضد امپریالیستی صریح میزند و این سیاست هم ارتجاعی است و عقب گرا.

بنابراین عناصری که خود را ترقی خواه و دموکرات و طرفدار زمختش میدانند زمانی میتوانند از این سیاست انتقاد کنند که خود در پایگاه استقلال ملی، در پایگاه نه شرقی نه غربی قرار داشته باشند، نه اینکه از موضع سازشکاری و طرفداری از روسیه به این سیاست بتازند.

تجربهای یک سال گذشته نشان میدهد که هردوی این سیاست‌های انحرافی (سازش با شرق و سوء استفاده از خواسته‌های معیشتی و دمکراتیک مردم علیه دولت ملی از یکسو و سیاست انحصار طلبی و ضد زمختش از سوی دیگر) به انقلاب ضربه زده‌اند و هر دو باید مورد انتقاد قرار گیرند و اصلاح شوند، اما در شرایط کنونی که ما مواجه با تعرض سوسیال امپریالیسم روسیه در جهان و در منطقه و خطر عمده‌ای که این ابرقدرت برای استقلال میهن و انقلاب ما دارد هستیم، گرایش سازش با روسیه و ماشاات با آن و حمله به روحانیت مبارز استقلال طلب تحت عنوان مبارزه برای ترقی و علیه ارتجاع، گرایش خطرناک انحرافی و انحراف عمده است و باید برای تحول اوضاع بسود تحکیم استقلال کشور با آن به منابه خطر عمده مبارزه نمود، و در عین اینکه باید مبارزه با گرایش انحرافی غیر عمده دیگر را نیز در دستور کار قرار داد.

* اعلامیه گروه رازمیک

جداست. در اعلامیه خیانت‌های دکتر بهرامی بر شمرده شده است. در آخر اعلامیه آمده است "ارطالان در یک خانواده زمختش به دنیا آمد و در برخورد با شرایط سخت زندگی زمختگشان از سنین نو جوانی به فعالیت‌های سیاسی روی آورد. شروع مبارزاتش همزمان بود با مبارزه ضد استعماری توده‌های مردم ایران به

روحانیت مبارز استقلال طلب را همچون مطهر ارتجاع می‌دانند و آن حمله میکنند.

اما آیا برآستی این آقایان انقلابی نما، مسلمان نما و چپ‌نما که اینطور سنگ زحمتگشان و ترقی اجتماعی را به سینه می‌زنند مترقی هستند؟ فکر نمی‌کنیم، ما فکر میکنیم آنها نه تنها مترقی نیستند، بلکه با مرتجع ترین نیروی ارتجاعی دنیا، یعنی سوسیال فاشیست‌های جنایتکار شوروی سازش میکنند و یا حتی مردور و طرفدار آند.

مگر معیار مترقی و ارتجاعی بودن ضد امپریالیست بودن نیست؟ حال چطور این آقایان با سوسیال فاشیست‌های روس، جلادان خلفهای افغانستان را تأیید میکنند، با آنها رابطه دارند، و علیه آنها یک قدم بر نمی‌دارند ولی خود را مترقی می‌دانند؟ مگر سوسیال فاشیسم شوروی برای خلفهای این کشور آزادی و ترقی آورده است؟ مگر شوروی زندان

بیش از ۱۵۰ میلیون ملل غیر روسی نیست؟ مگر شوروی بیش از هزار اردوگاه کار اجباری ندارد که بیش از یک میلیون نفر در آن زندانی هستند؟ مگر شوروی خلق‌های افغانستان را قصابی نمیکند؟ این چه نوع ترقی است که این سوسیال فاشیست میتواند به ارفغان بیاورد؟ آیا اسارت ملی، غارت منابع طبیعی و کشتار و حفران ترقی است؟ امروزه در ایران این آرایشگران سوسیال فاشیسم در امتداد خط سیاسی او حرکت می‌کنند یعنی خط ضدیت با روحانیت مترقی و تضعیف دولت ملی و ماشاات با شوروی و اگر این خط پیروز شود، ایران به سرنوشته افغانستان دچار خواهد شد، آنوقت این ترقی است؟ نه، امروزه هیچکس نمیتواند ادعای مترقی بودن بکند و طرفدار سوسیال فاشیست‌های روسی باشد.

سازشکاران و آرایشگران فاشیسم روسیه اینطور استدلال میکنند که سلطه روسیه یا مزدورانش همراه با اصلاحات به نفع زحمتگشان و ایجاد کارخانجات و ... خواهد بود. آیا این همان استدلال محمد رضا شاه خائن نیست که تلاش میکرد سلطه آمریکا را با رشد اقتصاد وابسته بیمارگونه و ضد مردمی و ضد ملی اش توجیه کند؟ آیا ما همگی نمی‌گفتیم که این استدلال یک مردور است چه ما می‌دانیم اگر امپریالیسم کشور ما را غارت نمی‌کرد و ما مستقل بودیم چه خوب و صدها بلکه هزاران بار بیشتر می‌توانستیم

ارتجاعی یعنی "سیروه" اعتبار و خط مشی‌هایی که از رشد تاریخی جامعه بشری جلو گیری می‌کنند و مترقی یعنی هر آنچه این رشد و تکامل را تقویت می‌نماید. حال باید دید با این حساب امروزه در دنیا چه چیزی بزرگترین سد راه پیشرفت جامعه بشری و لذا ارتجاعی است؟

امروزه ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که بزرگترین واقعیت ملموس و برجسته آن، تقسیم دنیا به دو بخش به کشورهای امپریالیستی و به کشورهای و ملل زیر ستم امپریالیسم است. امروزه ملل جهان (منجمله خلق‌های ساکن کشورهای امپریالیستی) برای رشد و ترقی جامعه خود مواجه با یک سد بزرگ مشترک هستند، آن سد امپریالیسم است.

امروزه هر آنچه که ضد امپریالیستی است و هر آنچه که به امپریالیسم و سلطه آن بر جهان ضربه میزند مترقی و پیشرفته و هر آنچه که (حال به هر لباسی، حتی انقلابی) حاکمیت امپریالیسم را تحکیم می بخشد، ارتجاعی و ضد تکامل جامعه بشری است. از این رو امروزه کسی نمی‌تواند خود را ترقی خواه بداند ولی ضد امپریالیست نباشد، آزادیخواه بداند ولی ضد امپریالیست نباشد.

وظیفه خلقها و ملل ستمدیده‌ی دنیا برای پیشرفت به جلو، نابودی و به گور سپردن نظام امپریالیستی است و بدین خاطر است که مثلاً فلان رئیس ایل افغانی که علیه امپریالیست‌های تجاوزگر روسیه در افغانستان مبارزه می‌کند و خواهان استقلال کشورش می‌باشد، مترقی است و فلان عضو حزب باصطلاح کمونیست فرانسه که ادعای ترقی خواهی، آزادی خواهی و طرفداری از طبقه کارگر است را دارد ولی از تجاوز امپریالیستی روسیه دفاع می‌کند، مرتجع است. یا فلان روحانی در یک شهرستان دور افتاده ایران که توده‌ها را برای مبارزه با استعمار شرق و غرب به خیابان می‌کشد و در رأس آنها قرار می‌گیرد، مترقی است و روسای حزب باصطلاح کارگر انگلیس که ادعای سوسیالیست بودن راهم دارند ولی چندین بار به مدت چند سال در رأس امپراطوری انگلیس قرار گرفتند و خلفهای ملل مختلف را تحت استعمار، غارت و ستم قرار دادند، مرتجع هستند.

آن کس که به نظام امپریالیستی صریح می‌زند مترقی است، آن کس که بهر صورت به ادامه زندگی ننگین این نظام کمک می‌کند، ارتجاعی است.

رویدادهای جهان



تهاجم بهاره روسیه در افغانستان

ارتش تجاوزگر روس با شروع بهار و آب شدن برفهای کوهستان، تعرض وسیعی را در مناطق شرقی کشور آغاز کرده است. آنها با صدها زره-پوش، دهها هلی کوپتر و جنگنده‌های "میگ" دهکده را به توپ و آتش بسته، چندین روستا را کاملاً ویران ساخته‌اند. روس‌ها در هجوم به ایالات "کنر" و "ننگرها" از بمب‌های آتش‌زا و گازهای سمی استفاده کرده‌اند. از جمله یک گاز سمی فلج‌کننده که در فاصله صد متری باعث فلج شخص و استنشاق آن از نزدیک باعث مرگ سریع می‌شود.

روس‌ها به سبک جنایتکاران امریکایی در ویتنام از ناپالم نیز استفاده کرده‌اند.

با گرم شدن تدریجی هوا مبارزات خلق افغانستان اوج تازه‌ای پدید می‌آید. تظاهرات شهری و مبارزات چریکی در روستاها و کوهستان، روس‌ها را به تنگ آورده است. اکنون مناطق جدیدتری درگیر جنگ رهائی بخش ضد روسی می‌شوند.

تهاجم بهاره روس‌ها در حقیقت ادامه همان تهاجم شکست خورده زمستانی آنهاست. از آنجا که آنها قادر به سرکوب خلق در فصل زمستان نشده‌اند، مذبحخانه تلاش می‌کنند قبل از گرم شدن هوا و مساعد شدن زمینه عملیات برای مجاهدان افغانی عقب ماندگی نظامی خود را جبران کنند. روس‌ها مناطق شرقی را که گرم‌تر از سایر مناطق است نظیر ایالات

نقشه روس‌ها در هم شکستن مقاومت مبارزین در نواحی شرقی، بستن مرزهای جنوبی و شرقی افغانستان با پاکستان سپس نابودی قوای آزادی بخش در نواحی سرد سیر و سرانجام انهدام کل جنبش در سر تا سر کشور افغانستان است.

اگر چه روس‌ها موفق شده‌اند در برخی نبردهای محلی، به قیمت تلفات سنگین، تلفاتی هم به مجاهدان وارد سازند و تعداد باز هم بیشتری از آوارگان را به سوی پاکستان سرازیر نمایند اما تا کنون قادر به تسخیر هیچ یک از مناطق آزاد شده نگردیده‌اند.

مشکلات روس‌ها در جریان تهاجم بهاره اگر بیشتر از تهاجم زمستانی نباشد مسلماً کمتر نخواهد بود زیرا خلق افغانستان مصمم است تا بیرون راندن کامل متجاوزین و کسب استقلال کامل به مبارزه خود ادامه دهد.

مبارزین افغانی ۱۲۰۰ زندانی را آزاد کردند

جنبش افغانستان بودند که قرار بود ظرف چند روزه آینده اعدام شوند. طبق همین گزارش مبارزین افغانی به فرودگاه نظامی شهر "کوندور" و چندین ساختمان دولتی در داخل شهر حمله کردند.

ویتنام به انقلاب جدیدی نیاز دارد

هوانگ وان هوان، یکی از رهبران قدیمی حزب زحمتکش ویتنام و هم‌رزم هوشی مین که به دنبال سیاست تصفیه مبارزین استقلال خواه از درون حزب به چین پناهنده شده بود، در جمع اتباع ویتنامی در ایالت "پنان" ضمن اشاره به اوضاع کنونی ویتنام و وابستگی‌های آن به روسیه اعلام کرد که:

کلیه دستاوردهای خلق ویتنام طی ۳۰ سال انقلاب، به وسیله "له دوان" و شرکاء نابود شده است. هوشی مین به روشنی گفته است که ما به ویتنامی آرام، متحد، دموکراتیک

منیر شفیق:

جوامع اسلامی دژ مستحکمی در برابر دو ابر قدرت شرق و غرب

منیر شفیق مدیر کل مرکز طرح و برنامه ریزی سازمان آزادی بخش فلسطین - الفتح که چندی است به منظور آشنائی با انقلاب اسلامی ایران در کشور ما به سر می‌برد، در یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن پشتیبانی کامل از انقلاب ایران و رهبری امام خمینی در پاسخ به سؤال تهاجم ارتش شوروی به افغانستان و حضور ناوگان دریائی امریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس گفت:

دخالت ابر قدرتها در کشور - های اسلامی یک عمل نادرست است و

تقویت پایگاه‌های آمریکا در عمان

طبق اخبار خبرگزاریها امپریالیسم امریکا در مقابل تهاجم شوروی در منطقه به تقویت پایگاه‌های خود در عمان پرداخته است. طبق این خبرها چندین هزار

تظاهرات وسیع ضد روسی

پیشاور (پاکستان) - خبرگزاری فرانسه از کابل گزارش می‌دهد که مردم این شهر و چند شهر دیگر مجدداً "بسه تظاهرات و اعتراضات ضد روسی دست زده و شبها بر فراز باها و فریاد "الله اکبر" سرداده‌اند. همین خبر می‌افزاید که سربازان روسی برای متفرق کردن تظاهرات اقدام به شلیک تیر

رویدادهای سیاسی

اعلام جرم حزب توده

رهبری حزب توده بر علیه روزنامه جمهوری اسلامی که در یکی از مقالات خود آنرا دست نشانده روسیه معرفی کرده به دادستانی اعلام جرم نموده است. رهبری حزب توده عاجزانه به شکایت قضائی از روزنامه‌های استقلال طلب می‌پردازد چرا که قادر نیست پاسخی سیاسی راجع به وابستگی‌های خود در پیشگاه ملت ایران دهد و بخيال خود می‌خواهد تا از این طریق بر سرسپردگی کامل اش به امپریالیسم روسیه سرپوش گذارد.

ما قاطعانه از مقامات مربوطه می‌طلبیم که هر چه زودتر به اعلام جرم رهبری حزب توده رسیدگی نموده و دادگاهی علنی در این باره تشکیل دهد تا نیروهای استقلال طلب و توده‌های مردم با ارائه صدها سند و مدرک، سرسپردگی رهبری حزب توده به روسیه را اثبات نمایند و در دادگاه انقلابی خلق زندگی نامه سیاسی این نوکران بیگانه بطور کامل بررسی گردد.

رویدادهای سال از دیدی منحرف

روزنامه کیهان در شماره ۲۸ اسفند خود مقاله‌ای تحت عنوان "تفسیر سیاسی سال" بقلم حسام الدین امامی درج کرده‌اند. مقاله حق میباید بداند لقب "تفسیر سیاسی سال" را داد. اما نه بآن دلیل که مقاله به بررسی وقایع و حوادث سیاسی سال ۵۸ پرداخته بلکه باین دلیل که این آقای مفسر تمام جعلیات و دروغ پردازیهای خبرگزاریهائی سوسیالیست امپریالیستی را سرهم نموده و بخورد خوانندگان کیهان داده و از این طریق کار نویسندگی خود را تکامل بخشیده و از تبلیغ ضمنی برای سوسیالیست‌ها به تبلیغ و توجیه علنی جنایات آنان پرداخته است.

در کار در بالای مقاله که مفسر کیهان آنرا به درج "سراسر" حوادث و وقایع مهم عالم در سال گذشته "اختصاص داده است، حسام الدین امامی با دقت زاید الوصفی حتی "انتخابات دانمارک" را نیز منعکس نموده و بآن وزنه لازم رانده است اما "سپوا" اشغال جنایتکارانه افغانستان توسط سربازان سوسیالیست روسی از قلم افتاده است.

در متن مقاله نیز اشغال افغانستان و کامبوج با سرهم بندی جعلیات خبرگزاری "تاس" توسط سوسیالیست‌ها توجیه گردیده است.

مفسر کیهان درست در زمانی دست به چنین عوامفریبی می‌زند که ملت ایران یکبار چاه از برادران مبارز افغانی خویش پشتیبانی می‌کند، برادران مبارز که برای بیرون راندن تاجران پیکا رمینمایند. و امام خمینی نیز بارها شش‌سرق تاجران و زکرات پیمان می‌نمایند.

این دیگر برای ملت ما غیر قابل تحمل شده است که می‌بینند روزنامه‌های تحت سرپرستی بنیاد مستضعفین به صحنه تبلیغات سرسپردگان به شرق و غرب تبدیل شده‌اند و عوامل ابرقدرتها در درون آنها برای خود پایگاه ایجاد کرده‌اند و گذشته‌ها از تبلیغات ننگ آور خود زحمت‌کش این روزنامه‌ها را نیز پیمان می‌نمایند.

* مذاکرات ایران و ...

دولت قانونی افغانستان است. اما ریشه اصلی بحران در حالیکه در افغانستان عملاً "باین کشور و اشغال نظامی آن دولت مرکزی موجود نیست و توسط بیش از ۱۰۰ هزار سرباز مبارزه میان ارتش اشغالگر

زد و خورد شدید در ارتش

اشغالگری روسی

داشته‌اند که به آنها گفته شده بود برای مبارزه با امپریالیسم امریکا به افغانستان فرستاده می‌شوند و حال که آنها با برادران هم کیش و مسلمان خود روبرو می‌شوند تفنگ‌های خود را متوجه اشغالگران روسی می‌کنند. اخیراً نیز خبر گزارى‌ها گزارش دادند که گروهی از این سربازان آسیائی که مسلمان نیز می‌باشند به مجاهدین پیوستند.

تجلیل روز ۲۴ حوت در هرات

ملت دعوت به همراهی نمودند. در این روز یک افسر و نه سرباز به مجاهدین پیوسته و نه قبضه کلا - شینکف و یکبزار و یکصد و نه فشنگ، یک دستگاه بی سیم، کامیون ارتشی و سایر تجهیزات نظامی به تصرف مجاهدین حرکت انقلاب اسلامی افغانستان در آمد.

۶۰ تن از سربازان افغانی به مجاهدین پیوستند

و دوستگاه از خود روهای روسی را به غنیمت گرفتند. در این نبرد ۲۵ تن سرباز دستگیر شدند و چهارتن آنها که عضو حزب مزدور خلق بودند نیال یک محاکمه محرائی اعدام شدند. پس از شکست نیروهای اشغالگر یادگان شهر "بالابلوک" بتصرف مجاهدین درآمد.

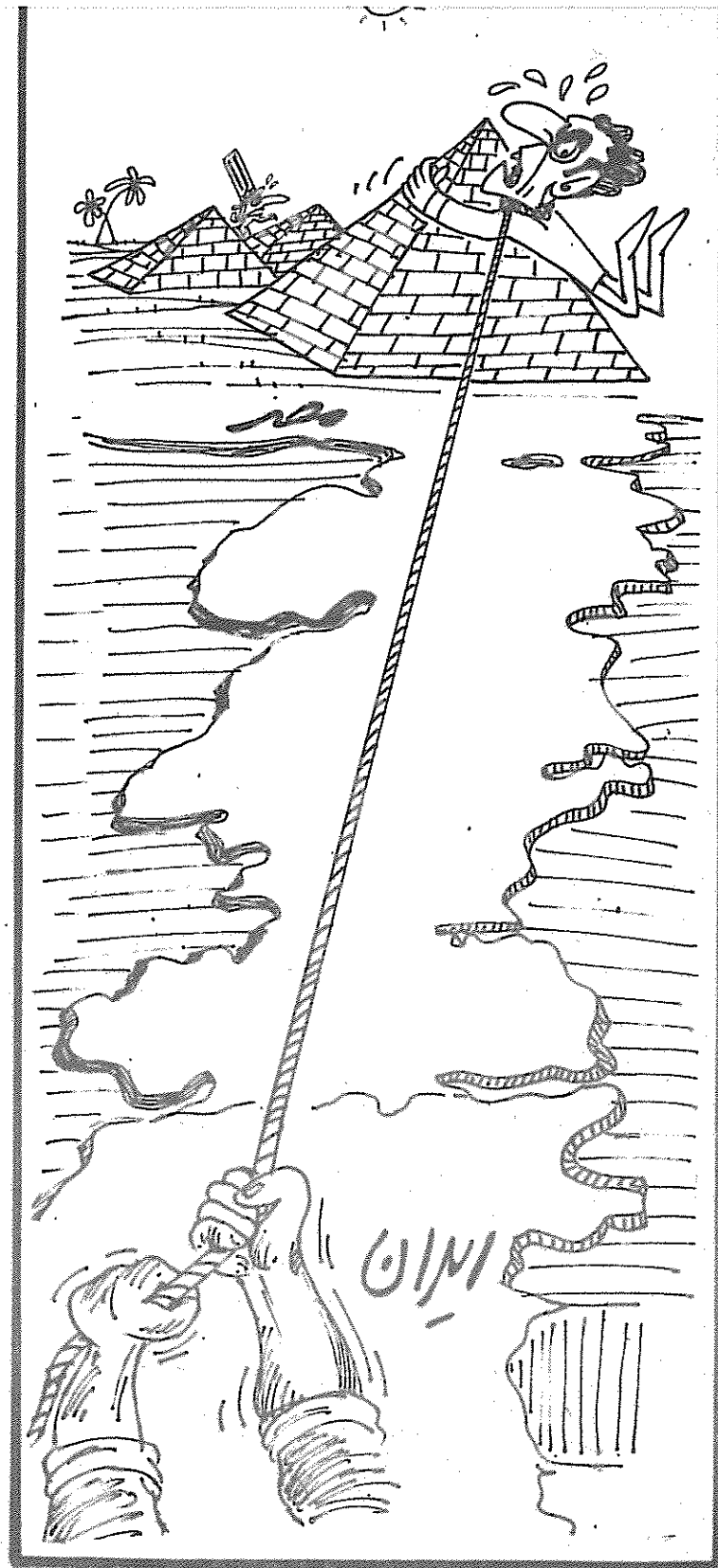
جمعیت اسلامی افغانستان همچنین اضافه می‌کند که در منطقه "بگواه" از استان "فراه" نیز زرد و خوردی بنین مجاهدین و نیروهای روسی صورت می‌گیرد که طی آن ۲۵ سرباز دستگیر و ۱۵۰ قبضه اسلحه و دوستگاه خورد روی روسی بتصرف مجاهدین درآمد. ضمناً بگفته همین جمعیت در منطقه "سنگ کوتل" از استان هرات نیز یک فرزند هواپیمای اکتشافی روسی هدف گلوله مجاهدین قرار می‌گیرد و سه نفر سرنشین روسی که مسلح نیز بودند و با چتر نجات خود را بزمین پرتاب کردند بوسیله مجاهدین دستگیر و پس از محاکمه صحرائی اعدام شدند.

حزب اسلامی افغانستان گزارش داد که به دنبال خود داری و سرپیچی سربازان بخارائی (از جمهوری های آسیائی شوروی) از کشتار مجاهدین افغانی، سربازان روسی (از قسمت های اروپائی روسیه) با آنها به زد و خورد پرداختند و در این درگیری دو بیست نفر از طرفین کشته شدند و دهها تانک به آتش کشیده شد. سربازان بخارائی اظهار

طبق گزارش جمعیت علماء حرکت انقلاب اسلامی افغانستان، طرفداران این سازمان در حوزه غربی در تدارک تجلیل روز ۲۴ حوت ۱۳۰۷ هرات که روز قتل عام سی هزار افغانی به جرم دفاع از معتقدات و نوامیس ملی و استقلال میهن‌شان است به شهر هرات و اطرافش سرازیر شدند و از تمام اقشار و طبقات

بنابگزارش "سازمان اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان" دووا حدکامل ارتشی که در نزدیکی قندهار سنگر گرفته بودند از خدمت گریخته‌اند. بر طبق همین خبر سه نفر همراه سلاح‌هایشان به مبارزین پیوستند. از طرفی حزب اسلامی افغانستان گزارش داد که در استان "بغدان" در آنروز خورد شدید چهار ساعت که بین مجاهدین و قوای متجاوز روسیه صورت گرفت ۱۲۰ تن از متجاوزین روسی کشته شدند. بر اساس همین گزارش شهر جدید "بغدان" در تصرف مجاهدین است و آنها آزادانه به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

جمعیت اسلامی افغانستان نیز به خبرگزاری پارس در مشهد اطلاع داد که در جریان زد و خوردی که بین مجاهدین افغانی و نیروهای اشغالگری روس در شهرستان "بالابلوک" از استان "فراه" روی داد ۱۶۴ قبضه سلاح های مختلف ۱۱۷۹۰ عدد فشنگ



روسی است و تا هتک می‌باید تجا و زیبا یا ن نپذیرد و ارتش اشغالگری روسی خاک افغانستان را ترک نکند، از صلح و آرامش در این منطقه سخنی هم نمی‌توانند بمانند آید. بنا بر این هرگونه مذاکره در مورد مسئله افغانستان باید با هدف گیری بیرون راندن ارتش اشغالگری روسی از این کشور و استقرار استقلال و تمامیت ارضی و حق حاکمیت مردم افغانستان باشد. تنها چنین مذاکراتی است که می‌تواند در جهت منافع مردم افغانستان باشد.

از سوی دیگر کلیه تجارب انقلابات پیرومند و مبارزات خلقها می‌که استعمارگران را از سرزمین خود بیرون رانده‌اند نشان می‌دهند که تجا و زگران امپریالیست بویژه دوا بسر قدرت که در پی سرکرده‌گی بر سر تا سرچها ن میباشند، هرگز از طریق مسالمت آمیز و مذاکره دست از تجا و زوجنا بیت بر نمی‌دارند. این تنها نیروی مبارزه اساساً مسلحانه خلقها است که در میدان جنگ امپریالیست‌ها را وادار به بیرون رفتن می‌کند.

اکنون که جنبش توده‌های و مسلحانه وسیعی در سراسر افغانستان علیه ارتش اشغالگری روسیه در جریان است روسیه می‌کوشد تا با به‌انفعال کشیدن ایران و جلوگیری از رساندن کمک به مبارزین افغانی، این جنبش را سزگوب نماید، زیرا که این جنبش اساسی ترین عامل مبارزه علیه امپریالیسم روسیه در افغانستان است. از اینرو وظیفه عمده ما بمثابه کشوری انقلابی که در همسایگی افغانستان قرار گرفته و با مردم ستم کشیده

این سازمان دارای همبستگی عمیق و سرنوشت مشترک میباشیم، سازماندهی کمک به مبارزین افغانی است تا آنها بتوانند به مبارزه خود شدت بیشتری داده و ارتش تجا و زگر روسیه را از میهن خود بیرون رانند.